

**رئیس -** چون آن مسئله را جزو دستور روز سه شنبه قرار داده‌ایم ممکن است آقایان مطالبات در آن نکرده باشند ولی چون بنانون استخدام سابقه داریم و معالجه کرده‌ایم می‌توانیم قبلاً مطرح‌ها کرده قرار بدهیم برای این است که راجح بیک وزیر معین هم نیست که بیاید و دفاع کند مخالفی که نیست.

[اعلام گفتند صحیح است]

**رئیس -** این قانون در جلسه قبل تا ماده ۹ خوانده شد حالا از ماده ۱۰ شروع می‌شود.

ماده ۱۰ - بیانات ذیل قرائت شد.

ماده ۱۰ - مقرر وزیر و معاونین ایشان نیز مقرر هر یک از درجات مذکوره در ماده ۸ موافق صورت ذیل است.

قدر اقل	قدر اکثر
وزیر یکماهه ۳۵۰۰ فران	یکماهه ۵۰۰۰ فران
معاون اداری ۲۰۰۰	۳۰۰۰
درجه اول یکماهه ۱۹۰۰ فران	یکماهه ۲۰۰۰ فران
معاون اداره ۱۵۰۰ فران	یکماهه ۲۰۰۰ فران
مدیر کل ۱۸۰۰	۲۳۰۰
رئیس کل ۱۶۰۰	۱۸۰۰
رئیس اداره ۱۲۰۰	۱۵۰۰
رئیس شعبة ۱۰۰۰	۱۳۰۰
نایب رئیس اداره ۸۰۰	۱۱۰۰
رئیس دایره ۸۰۰	۱۱۰۰
نایب رئیس دایره ۷۰۰	۹۰۰
دبیر اول ۶۰۰	دبیر دوم ۵۰۰
منشی اول ۴۰۰	منشی دوم ۳۵۰
منشی سوم ۳۰۰	دبایات و ضبطات ۲۵۰

روسی مستخدمین جزء -

یکماهه ۱۵۰ فران یکماهه ۲۰۰ فران

پیشخدمت‌ان و نواب روسی -

یکماهه ۱۲۰ فران یکماهه ۱۵۰ فران

یادو و سرایدار و امثال آن

یکماهه ۹۰ فران یکماهه ۱۲۰ فران

**حاجی سید ابراهیم -** بنده کلیتاً ارباب حقوق را که تعیین کرده‌است نسبت باطلاهایی که از اوضاع حاضر بوده دارند تمام را زیاد میدانم و علاوه گمان میکنم نسبت بین درجه پائین تر و درجه بالاتر یک نسبت نیست مثلاً می‌بینم که تفاوت بین مدیر کل و درجه اول و رئیس کل در حد اقل چهل تومان است در صورتی که تفاوت بین این دو در حد اکثر پنجاه تومان است باید اقل همان نسبتی را رئیس کل بامدیر کل در حد اکثر داشته باشد یعنی اگر تفاوت در حد اقل اینکجه چهل تومان است در حد اکثر هم همان نسبت چهل تومان است حالا این نسبت را یا بنده درست ملتفت نشده‌ام یا موجود نیست ولی کلیتاً عرض میکنم که ما باید قدر اقل را کمتر قرار بدهیم اینکجه پائینم بگوئیم قدر اکثرش هم بقدر می‌شود که در اینجا حد اقل نوشته شده و حالا که قدر اقل را کمتر لازمست بنده قدر اقل را اندکتر می‌دانم و بگفتم اقل دیگری آنوقت باید معین بشود

**دکتر حاج رضا خان -** بنده در قدر اکثر معاون گمان می‌کنم که نسبتی ملحوظ نداده است بجهت اینکه درباره سایر مستخدمین نسبت حقوقی آنها در حداقل را کثرت است بارتقاء رتبه و مدت خدمت است و درباره وزیر و معاون نسبت با اهمیت وزارتخانه است و وقتیکه ثابت شد حقوق وزیر و معاون نسبت بآن آنوقت معاون یک وزارتخانه مهم که حد اکثر باورم می‌شود سید تومان خواهد بود و آنوقت حقوق او مساوی خواهد بود با قدر اقل حقوق یک وزیر این بکلی غلط است و بنده این را زیاد می‌دانم و پیشنهاد می‌کنم که قدر اقل در معاونین صدو پنجاه باشد بجهت اینکه الان در بین معاونین وزراء سید تومان مواجب بهیچیک داده نیست و وزارت ماله که نایک درجه اهمیتش از سایر وزارتخانه‌ها بیشتر است دوست تومان مواجب دارد و معاون وزارت خارجه صدو پنجاه تومان است و معاون وزارت داخله که خیلی اهمیت دارد دوست و پنجاه تومان می‌گیرد

**عزز الملک -** بنده در این ماده عرضی که دارم یکی را جماعت مواجب وزیر بنده تصور میکنم صحیح باشد حقوق وزراء را مختلف قرار بدهیم یکی را سید تومان بدهیم و یکی را یا بنده تومان و آنوقت مذاکره کنیم که کدام یک از وزارت خانها مهم تر است آیا سید تومان بدهیم یا یا بنده تومان و بقیه بنده این دلیلی که در ماده بعد ذکر شده نمی‌تواند اساساً متقاعد کند اگر یک وزارت خانه چندان اهمیت ندارد او را لازم نیست که یک وزارت خانه فراز بدهد او را جزء یک وزارتخانه دیگری قرار بدهیم ولی همینکه وزراء گفته شد یعنی این وزیری که این وزارت خانه باو تفویض شده است از حیث مقام مساوی باشد اگر حقوق سایر وزراء یا بنده تومان است حقوق او هم باید یا بنده تومان باشد تبعیض کردن برای یکی یا بنده تومان معین کردن برای دیگری سید و پنجاه تومان این را بنده صحیح نمی‌دانم مسئله دیگری که می‌خواستم عرض بکنم اینست که این ماده مربوط است بماده (۹) در ماده (۹) درجات معین شده است و در این ماده حقوق آن درجات تعیین می‌شود حالا این درجاتی که اینجا ذکر شده است صحیح نیست و بنده یک پیشنهاد کرده‌ام از این باب و بنا بر اظهاری که آقای مخبر در خارج کردند که آنرا می‌پذیرند و راجع آنرا بکمیسیون تقاضا بکنند اگر آن تقاضا را بپذیرند لازم نیست پیشنهاد بنده خوانده شود در کمیسیون که رفت اصلاحات در این مراتب حاصل می‌شود بجهت اینکه در اینجا نمی‌توانیم مذاکره بکنیم.

**فهم الملک -** مخبر کمیسیون قوانین ماله اما اختلافیکه در مقرر وزیر و معاون آنها مقرر شده است جهت معین بودن در حقیقت آقای معزز الملک اظهار فرمودند چون کارهای مملکت را باید بچند قسمت تساری قسمت کرد و هر یک از آنها را یک وزارتخانه فرار داد آنوقت تمام زحمتان مساوی خواهد بود و اگر یک وزارتخانه حالا زحمتش کمتر است بعضی از ادارات دیگر را جزئیش کنند که از جهت زحمات وزارتخانه ها مساوی باشد و از حیث اهمیت هم مساوی

باشد و این مسئله هنوز اینچنان منظور نشده است بعضی از وزارتخانهها خیلی زحمت دارد بعضی کمتر زحمت دارد بعضی از وزارتخانه‌های ماحکم یک اداره را دارند و باید بکسیر کل برای آن معین شده حقوق مدیر کلی بآنها داد اگر آن مسئله منظور نشود وزارتخانه‌ها بطور متساوی تقسیم نشود معاون وزیر ممکن است بکسیر کل برود و آن فرمایشی که در حق رضا خان صدق میکند زیرا که وقتیکه زحمات آن مساوی شد حقوق آنها هم مساوی نمیشود و اگر زحمات آنها مساوی شد حقوق آنها هم مساوی میشود هیچ اختلافی در حقوق آنها نیست قدر اقل و اکثر هم خواهد داشت یک میزان معینی است ولی امروز اینطور نیست بعضی وزارتخانه‌ها زحمتشان کم تر است بعضی خیلی زیاد تر است پس میزان نمیتوان قرارداد و نمیتوان حق داد که یک میزان حقوق بگیرند پس این ترتیب حقوق تعیین کردن لازمه آن چیز است که امروزه در مملکت مجری است حالا جهاتش را بطوریکه فرمودند در خارج مذاکره کردیم و آن ایراد را که فرمودند عرض کردم که این ایراد در حقیقت هم مخالف با این قانون نیست بجهت اینکه می‌گویند اینطور اصلاح شود خود خواستیم که بیاید بکمیسیون و خودشان هم حاضر خواهند شد مذاکره میشود.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی -** بنده کلیه این ماده را بی ترتیب میبینم آنجا این بودجه است که اینجا بقران رأی خواهیم داد آیا این قانون دائمی خواهد بود یا اینکه دوساله است بجهت سهم‌رأی خواهیم داد بقیه بنده اینجا بوجه رأی دادن و در قانون وجه را معین کردن هیچ صحیح نیست و از اول خوب نشده است اول درجات را باید تعیین بکنند در هر درجه مثلاً آنوقت درجات را نسبت بیکدیگر یک میزانی تفاوت ملاحظه میکنند مثلاً درجه اول را با دویم یک ربع تفاوت میکنند یعنی درجه دوم یک ربع مساوی است از درجه اول کمتر است درجه اول هر قدر که حقوقش باشد در بودجه مقررات و نوشته خواهد شد هر قدر که در بودجه مواجب درجه اول منظور شده است درجه دوم یک ربع مواجیش از او کمتر خواهد شد و همین طور درجه دوم نسبت یک ربع سیم کمتر است از درجه دوم هکذا در تمام درجات این نسبت ملحوظ و منظور است یا اینکه میزان را یک خمس قرار بدهند هر نسیم قراردادند آن نسبت را در تمام درجات ملحوظ بدارند این ترتیب برای تصویب بودجه و تحصیل امورات یک وزیر را که رأی دادند می‌دانند که درباره سایر وزراء چه قسم باید رأی بدهند یک معاون را که رأی دادند می‌دانند که درباره سایر معاونین چه رأی بدهند و همین طور سایر مراتب تا برسد درجه آخر مستخدمین باید تعیین کرد درجه دوم یک ربع تفاوت دارد با درجه اول آن وقت نسبت اول با کثرت را باید چهار قسمت کرد یعنی آن تفاوت مواجب درجه اول را تا درجه دوم باید چهار قسمت کرد فلان درجه و فلان درجه و فلان و فلان در تمام آنها با هم متناسب باشد بجهتی که این بودجه را پیشنهاد هر کس بکنند کسی را که قهراً از پائین تا بالا هم بدانند چه نسبتی در بین اینهاست تمام آنرا تا به پائین همرا بدهند به این که مبلغ را در اینجا ذکر می‌کنند مبلغ اینجا هیچ نباید ذکر بکنند بجهت این که این را یکبار دادیم ابدی خواهد شد ابتدا ابدی نخواهد بود آیا

این بودجه است این هم که نیست پس باید در اینجا ترتیب را ذکر کرد بدون مبلغ.

**فهم الملک -** این ما عین مذاکرات است که در قانون دیوان معاسبات برای مقرر اعضا دیوان معاسبات مذاکره شد اینها برده نیست یعنی در اینجا تصویب می‌کنیم که الان بروید یک خرجی بکنید مطابق این که تصویب میکنیم ولی یک میزانی برای مخارج معین می‌کنند و این برای این است که بودجه را بفرهاند بوسیله آنقدر دچار اشکالات نشوند رود تر بنویسند و بپاوردند به مجلس و مجلس هم که آمده مجلس از روی میزانی که در دست هست تصویب بکنند دیگر از برای هر جزئی یک تومان دو تومان بالا و پائین چندین جلسه مجلس را مطلق نکنند وقت مجلس را تعیین نکنند از برای این میخواهند یک اساسی و میزانی معین کنند حالا آقای آقا شیخ ابراهیم میفرمایند در این جا باید یک اساسی معین شود وقتی که حقیقت داشت ملاحظه بفرمائید اینجا هم همینطور اساسی معین شده است زیرا که در درجات آنها مذاکره میکنیم و درجات آنها را معین میکنیم و این که میفرمایند در درجات پائین نسبت به بالا باید یک میزانی گرفت و یک نسبتی را در دست داشت و این هیچ ممکن نیست بجهت اینکه وقتی که پائین درجات پائین ممکن است یک مشکلات دیگری جلو ما باشد امروز با وضع ماله مملکتی چه خواهد بود حالا اگر حرف در این است که قدری شاید زیادی معین بکنند آن بکسیر کل است و ممکن است وقتی که بودجه آمد آنوقت یک کم زیاد بکنند آن درجاتی که بودجه معین می‌شود ملاحظه می‌شود ولی نوشتن اینطوری نیست که دست مجلس را بنده ممکن است بدهم تغییر بدهند شاید پنج شش سال بعد مقتضی شد که اساسی که نوشته‌اند تغییر بدهند آنوقت بگفته‌اند قانون وضع می‌شود و مجلس می‌آید و مجلس همیشه حق خواهد داشت که بقضاء و اقتضاء وقت بگفته‌اند قانون را نسخ و ماده دیگری بجای آن وضع کنند بهر طوری که مناسب میدانند آنرا تغییر و تبدیل بدهند.

**شیانی -** بنده عرض در خصوص تعداد این دو اثر بود که در ماده ۸ هم مفضل عرض کردم و آقای مخبر جداً رد کردند بنده هم متقاعد نشدم و باز جداً عرض خود را عرض میکنم که این معاون اول و دوم و سوم را که ما اینجا رأی دادیم بکسیر کل هم اینجا تصویب می‌کنیم که باید حقوق ببرند فردا اگر یک وزارتخانه آمد و یک معاون را بی‌قاعده قبول کرد هیچ راه قانونی نداریم که بگوئیم که چرا دو معاون آورد یا سه تا آورده در صورتی که ما امروز می‌بینیم که یک معاون کار این سه معاون که اینجا نوشته‌اند می‌کنند و کفایت هم میکنند و اما در باب اهمیت وزارتخانه‌ها که مخبر فرمودند از حیث اهمیت و زحمت مساوی نیستند بنده مساوی میدانم بجهت اینکه هر وزارت خانه اگر کار نکرد ممکن است اهمیت آنرا از بین ببرد و اما اگر کار بکند و از عهده تکالیف خودش بر آید گمان میکنم که خیلی اهمیت داشته باشد و خیلی وقت هم بخواهد زحمت هم نداشته باشد و از حیث میزانی که معین شده‌است برای حقوق آنرا آقایان فرمودند و بنده دیگر زیاد میدانم که داخل شوم در مذاکره آن.

**مخبر -** بیستم که مقرر رئیس الوزراء آنجا تعیین شده است اگر میخواهید رئیس الوزراء هم همان مقرر بکسیر کل را بدهید آنوقت گناه میشود که رئیس الوزراء بی (پرت قوی) میشود آنجا چه خواهید کرد

**فهم الملک -** چون تاکنون معمول بوده است که رئیس الوزراء هم دارای یک وزارتخانه داده‌اند و اگر بگوئیم که دارای (پرت قوی) نبودند ممکن است یک مقدار برای او در بودجه معین کنند و در صورتیکه با پرت قوی شد آنوقت هم در ضمن بودجه یکماده معین می‌کنند چون بکسیر کل نیست که نظائر متعدده داشته باشد که بکفایتی برایش لازم باشد و وضع کنیم.

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست؟ گویا کافی باشد - یک پیشنهادی دکتر حاج رضا خان کرده‌اند خواننده میشود.

(باین عبارت خواننده شد)

(این بنده پیشنهاد میکنم حد اکثر مقرر معاون دوست و پنجاه تومان باشد (دکتر رضا خان).)

**عزز الملک -** بنده هم پیشنهادی کرده‌ام

**رئیس -** خواننده می‌شود (ببابت ذیل خواننده شد).

ماده ۱۰ - وزیر یکماهه یا بنده تومان

**رئیس -** اینهم اصلاحی است که آقای برالسلطان پیشنهاد کرده‌اند خواننده میشود (باین عبارت خواننده شد)

در ماده ۱۰ مقرر وزیر و معاونین و سایر مستخدمین را بطریق ذیل پیشنهاد می‌نمایم (نیر السلطان)

وزیر یکماهه ۴۰۰۰ فران (یکماهه) ۴۰۰۰ تومان

معاون ۲۰۰۰

معاون اداری ۱۳۰۰

مدیر کل ۱۲۰۰

رئیس کل ۱۱۰۰

رئیس اداره ۱۰۰۰

رئیس شعبة ۹۰۰

رئیس اداره ۶۰۰

رئیس دایره ۵۰۰

دبیر اول ۵۰۰

منشی ۳۵۰

**رئیس -** اول رأی میگیریم پیشنهاد دکتر رضا خان حالا توضیحی دارید بدهید.

**دکتر حاج رضا خان -** بنده اینکجه سید را صدو پنجاه کرده‌ام از این نظر بوده‌است که تاکنون در بین مستخدمین ادارات هنوز مواجب سید تومانی معین نشده است و اگر نظر تان حد اکثر است درباره معاونین که وزارتخانه آنها دارای اهمیت و شغلشان با زحمت است آنوقت از اول هر وزارتخانه همان سید تومان را معین میکنم.

**رئیس -** رأی میگیریم باین پیشنهاد حاج دکتر رضا خان بطوریکه خواننده شد هر کسی این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه شد).

حالا رأی میگیریم پیشنهاد آقای معزز الملک که پیشنهاد کرده‌اند بیک از وزراء یا بنده تومان داده‌اند و آقایانیکه قابل توجه میدانند این پیشنهاد را در قیام نمایند (رذعه) حالا بامدیر کل بگوریم به پیشنهاد آقای

نیر السلطان دوم رتبه خوانده میشود و توضیحی بدهند بعد رأی می‌گیریم (و مجدداً پیشنهاد نیر السلطان خواننده شد).

**نیر السلطان -** بنده عرض میکنم چون بودجه مملکت ما امروز معلوم است که چقدر کم دارد و چقدر ضیق ماله داریم و چون معلوم است که با این حقوق که برای معاونین و سایرین معین شده است معلوم است ماله مادرست کفاف نمیدهد به این جهت بنده این پیشنهاد را کرده‌ام.

**فهم الملک -** اینجا دو عیب بود یکی آنکه نسبتی که با هم گرفته‌اند در درجات خیلی متفاوت است بعضی درجات تفاوت خیلی جزئی دارد و بعضی تفاوت خیلی کلی دارد و بعضی اجزاء جزء ادارات هستند که اینها را تمام یک کلمه منشی نوشته‌اند اینها را خودش خیلی معین است در موقع نوشتن بودجه را نیز اگر ملاحظه صرفه جوئی پیشنهاد کرده‌اند ممکن است در تفصیل عده در ادارات ملاحظه کنند لازم نیست که یا بنده فرج جمع نمایند یکی ده تومان بدهند یا بنده فرج صدف بکنند و حقوق کافی بآنها بدهند.

**رئیس -** رأی میگیریم باین اصلاح آقای نیر السلطان بقریبی که قرائت شد آقایانی که قابل توجه میدانند این اصلاح را قیام نمایند (رذعه) - حالا اصلاحی از طرف آقای لواء الدوله پیشنهاد شده است خواننده میشود (باین عبارت خواننده شد) بنده پیشنهاد میکنم که حقوق مستخدمین حد اکثر و حداقل از قرار تفصیل ذیل مقرر شود در ماده وزیر ۵۰۰ تومان رئیس کل ۱۰۰ تومان منشی سوم ۲۰ تومان و ضبطات ۲۰ تومان

نایب الوزراء اول ۱۲۰ تومان دبیر اول ۴۰ تومان مدیر اداره ۹۰ تومان

نایب الوزراء دویم ۱۰۰ تومان دبیر منشی اول ۲۵ تومان رئیس اداره ۸۰ تومان

مدیر کل ۱۱۰ تومان منشی دوم ۳۰ تومان

نایب رئیس اداره ۶۰ تومان

رئیس دایره ۶۰۰ فران - نایب رئیس دایره ۵۰۰ فران

**رئیس -** نایب الوزراء اینجا نوشته‌اند و نایب الوزراء هم نبود مقصود تان از این چیست معاون ادارت؟

**لواء الدوله -** بله بله

**رئیس -** دوم رتبه بخوانید (با اصلاح تبدیل لفظ نایب الوزراء بمعاون ادارت خواننده شد)

**لواء الدوله -** عرض کنم چون اینجا برانطباق ترقی میکنند مثلانات وضایح ممکن است حقوقشان بدرجه منشی دوم و سوم برسد و از این قرار برسد بوزارت و اینها ترفیع رتبه‌است که کم کم میرسد بعد اکثر و اینکجه نوشته‌اند نایب الوزراء نظر به این ترتیب بود از روی آنصورت اولی بود و اینجا حداقل و اکثرش نوشته شده بود فرق گذاشته بودم و اینجا فراموش کردم بنویسم.

**فهم الملک -** بنده میخواستم بدانم آقای لواء الدوله که رئیس کل و مدیر کل را یکسند تومان پیشنهاد کرده‌اند چنانچه تصور کرده‌اند میخواستم بدانم از رئیس کل و مدیر کل همان زمانت شده‌اند که منظور بوده و اینرا نوشته‌اند یا خیر یکسورنی اینجا



بوده آنرا برداشته اند و آنرا نوشته اند باید معین شود که رئیس کل کبست و کارش چیست آنوقت این حق را برای او معین میکنند این باید معلوم شود که مقصودشان چه بوده است .

**رئیس -** رأی میگیریم باین پیشنهاد اصلاحیه آقای لواء الدوله و آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) اصلاحی است از طرف آقای مشیر حضور پیشنهاد شده است خوانده میشود پیشنهاد مشیرحضور - بمبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۰ قانون استخدام نوشته شود - رئیس الوزرا پیشهزار فران تنبیه - اگر رئیس الوزرا وزارتخانه داشته باشد مقرری علیجده نخواهد گرفت .

**مشیرحضور -** اگر چنانچه باینکه رئیس الوزرا بی وزارتخانه باشد مقرری او را هم باید بنویسند بجهت اینکه مقرری سایر مستخدمین کلبه نوشته شده است .

**فهمیم الملک -** عرض بنده این بود که این درجاتیکه اینجا نوشته شده است در ادارات دولتی متعدد است لکن رئیس الوزرا یکی است نظائر دیگر ندارد حالا اگر ما اینجا بنویسیم باینکه رئیس الوزرا بی وزارتخانه را اینچندان اهمیت ندارد ممکن است وقتیکه باینچنین رئیس الوزرا بی وزارتخانه بیاید در این ماده در اینخصوص در بودجه بنویسیم و این چندان اهمیتی ندارد .

**رئیس -** رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مشیرحضور کسانیکه موافقت با این پیشنهاد قیام نمایند (رد شد) باینکه پیشنهادی آقای قمی کرده اند که برای معاون وزیر حداقل یکصد و پنجاه تومان معین شود آنرا باینکه موافقت با این پیشنهاد قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) پیشنهادی آقای حاج شیخ اسدالله کرده اند خوانده میشود .

**فهمیم الملک -** عرض بنده این بود که این درجاتیکه اینجا نوشته شده است در ادارات دولتی متعدد است لکن رئیس الوزرا یکی است نظائر دیگر ندارد حالا اگر ما اینجا بنویسیم باینکه رئیس الوزرا بی وزارتخانه را اینچندان اهمیت ندارد ممکن است وقتیکه باینچنین رئیس الوزرا بی وزارتخانه بیاید در این ماده در اینخصوص در بودجه بنویسیم و این چندان اهمیتی ندارد .

**رئیس -** ماده یازدهم (باین عبارت خوانده شد) ماده ۱۱ - مقرری وزراء و معاونین ایشان ثابت بوده و تفاوت حداقل و اکثر مقرری هم درجه نسبت به خدمت معین میشود تفاوت قدر اول و اکثر مقام مدیری کل تا نائب رئیس دایر بسته بلیاقت و مدت خدمت مستخدم است در مراتب دیگری تا ثابت و ضابطه اضافه مقرری با ترفیع رتبه توأم خواهد بود تفاوت قدر اول و اکثر رؤسای مستخدمین جزء بسته با خدمت وزارتخانه و مدت خدمت مستخدم است تفاوت قدر اول و اکثر مقرری پیشخدمتین زیاد نسبت به مدت خدمت است .

**رئیس -** ماده یازدهم (باین عبارت خوانده شد) ماده ۱۱ - مقرری وزراء و معاونین ایشان ثابت بوده و تفاوت حداقل و اکثر مقرری هم درجه نسبت به خدمت معین میشود تفاوت قدر اول و اکثر مقام مدیری کل تا نائب رئیس دایر بسته بلیاقت و مدت خدمت مستخدم است در مراتب دیگری تا ثابت و ضابطه اضافه مقرری با ترفیع رتبه توأم خواهد بود تفاوت قدر اول و اکثر رؤسای مستخدمین جزء بسته با خدمت وزارتخانه و مدت خدمت مستخدم است تفاوت قدر اول و اکثر مقرری پیشخدمتین زیاد نسبت به مدت خدمت است .

**شیخ اسدالله -** بنده در این دو ماده که راجع بحقوق مستخدمین است کلیتاً عرض داشتم و یکی از آنها همین ماده است و عرض می کنم که این قانون قانون استخدام و معین شرایط مستخدمین است که از ابتدا تا بحال این قانون خوانده میشود و نمیتوانم بچه ملاحظه حقوق مستخدمین را هم در ضمن این قانون آورده اند مثل اینکه از برای وزیر و معاون و مدیر و رئیس یک درجانی قرار داده اند از برای که در ماده قبل می نویسد و باینکه این معلوم است که

یکی از تشکیلات را لازم ندانست مجلس ممکن است بگوید که این اعضاء این اداره را لازم نمی دانیم آنوقت اگر وزیر توضیحات داد و مجلس قانع نشد آنمخارج را قبول نمی کند والا هیچ نمی گوید این اداره را باید داشته باشی باینجا باید داشته باشی و ترتیبات تنسیحات کار ادارات راجع بمجلس نیست و نباید هم باشد فقط بوجه آنها با مجلس است و باید بودجه آنها باینجا بمجلس داد مجلس بگذرد و این چیزی نیست که دست مجلس را در آید ببنده بودجه آید نوشته شده بمجلس می آید و مجلس از آنرا نظریات خودش را میکند .

**حاج شیخ الرئیس -** بنده در ماده سابقه عرض داشتم و اظهار نکردم و گفتیم در ماده ۱۱ چون مربوط با دست عرض را بنمایم بنده کلیه موافقت با همان ترتیباتی که پیشنهاد شده است در مواجب وزراء و سایر معاونین وزراء ولی فقط در اینخصوص که حداقل و اکثر نسبت با همیت وزارت خانه ها ملاحظه کرده اند مخالفم زیرا که بنده هیچ یک از وزارت خانه ها را نسبت بیکدیگر اهمیت نمی دهم برای اینکه همه در مقام خودشان دارای اهمیتند بنده هیچ نمی توانم تصور بکنم که وزارت خارجه یا وزارت داخله یا وزارت جنگ نسبت بهم دیگر کدام یک از آنها مهم می باشد و نسبت بدیگری اهمیت دارند همه وزارتخانه ها مهم بلکه اهمیت در وقتیکه می خواهم تعیین یک مقرری برای وزارت خانه ها بکنیم هرگاه بخواهم در این ضمن اهمیت هر یک از وزارت خانه ها را معین بکنیم این مسئله توارید محضورات و اشکالات سختی برای ما خواهد کرد بعلت اینکه این وزیر می گوید وزارت خارجه مهم است آن یکی می گوید وزارت داخله مهم است دارای اهمیتند و همه درجه یکدگر را بر دیگری ترجیح نمی توان داد و استعفا می کنم که این کار را نکنند و توارید اشکالات برای وزراء و مجلس میشود و اسباب پاره کدورت ها خواهد شد بنده این راه هیچ صلاح نمی دانم و تصویب نمیکنم .

**آقا شیخ علی شیرازی -** عرض میشود بنده در ماده ۱۱ و ۱۰ - اسم خود را نوشتم و طوری هم نوشتم که کسی بالاتر از اسم من نتواند بنویسد و برعکس تا بحال اسم بنده خوانده نشده بنده مخالفم با این وضع در ماده ۱۰ نشد که عرایض خود را عرض کنم ولی در اینجا عرض می کنم - این اهمیت و غیر اهمیت بنده من خوب است بواسطه اینکه بما هست که گفته میشود ما غیر اهم نداریم و تمام وزارتخانه های ما اهمیت از دیگری این باید معلوم شود و الا اگر بکلی معلوم نشود اسباب محظور میشود .

**رئیس -** اینکه اسم سرکار خوانده نشده برای این بود که مسبوق نبودیم که امروز قانون استخدام خوانده خواهد شد بلکه بنا بود لایحه وزیر باید تشکیلات اداری خودش را بدهد لکن مجلس از راه بودجه فقط می تواند داخل مذاکره آن بشود وقتیکه بودجه را آوردند بجهتی اگر

**حاج سید ابراهیم -** اینجا نوشته شده است مقرری وزراء و معاونین ایشان باید مراد از معاونین معاون پارلمانی باشد نه مطلق معاونین - دیگر اینکه نوشته اند مقرری وزراء و معاونین ایشان ثابت بوده کدام مقرری اگر مراد آنقدر اقل و اکثر است که البته ثابت خواهد بود و اگر مقصود اینست که تفاوت از برایشان قرار نمیدهند پس خوب است در ماده بنویسیم که مقریشان از این اندازه که معین شده است تجاوز نمی کنند نه اینکه بنویسیم ثابت است دیگر اینکه نوشته است که تفاوت قدر اول و اکثر هر درجه نسبت به مدت خدمت معین می شود در صورتی که در ماده پیش نسبت به هر درجه معین شده که قدر حقوق بایستی بپردازند از اینجهت تصور می کنم که دیگر ذکر این جمله در اینجا لازم نبود بعقبه من خوب است این عبارت از اینجا برداشته شود .

**فهمیم الملک -** این لایحه که در دستمان هست خوب است قدری درست ملاحظه بفرمایید تا اینکه رفع تمام این اشکالات بشود اینجا که قید شده است معاونین چون در ذیل ماده فوق اگر در قید کرده باشند دارد که (معاون اداری) داده اموم است که معاون پارلمانی است حالا درجه معاون پارلمانی بسته با همیت وزارتخانه ها است دیگر اینکه ثابت نوشته شده است مقرری وزراء و معاونین چون وزراء و معاونینشان مثل سایر مستخدمین نیستند که بایستی چهار سال در یک خدمتی بمانند و با شرایط بعد از چهار سال ارتقاء رتبه پیدا میکنند انتخاب وزراء و معاونین بسته است با اکثریت مجلس و ممکن است که یک وقتی اکثریت مجلس آنها را از درجه وسط انتخاب کنند و علاوه بر این آنها مأمورین پلیسی هستند ممکن است که تغییر بکنند پس وقتی که اینطور شد لابد باید مقرری آنها ثابت باشد یعنی اینجا کسی نیستند که باید چهار سال خدمت بکنند بعد اضافه حقوق بگیرند و ترفیع رتبه حاصل بکنند بلکه باید حقوق آنها ثابت باشد و یک تفاوتی هم اگر لازم شد که در حقوق آنها .

**آقا شیخ ابراهیم -** یابنده خیلی بعیدم از مطلب با اینکه این ترتیب باز صحیح نیست قانون استخدام نه عبارتست از شرایط مستخدمین بجهت اینکه شرایط مستخدمین در قانون تشکیلات خواهد آمد نه عبارتست از بودجه بجهت اینکه قانون بودجه در بودجه است بلکه قانون استخدام عبارت است از اینکه استخدام در مأمورین ملکی یا مالیه نظامی یا عدلیه چهار قسم است اینها مأمورین ملکی هستند چند درجه دارند این درجه با آن درجه چه تفاوت دارد پس در هر درجه بسته است بلیاقت هیچ معنی ندارد بسته است به مدت خدمت اگر لیاقت ندارد اصلاً نباید باشد بعد از آن که لایق است زیادتی مواجب

**آقا شیخ ابراهیم -** یابنده خیلی بعیدم از مطلب با اینکه این ترتیب باز صحیح نیست قانون استخدام نه عبارتست از شرایط مستخدمین بجهت اینکه شرایط مستخدمین در قانون تشکیلات خواهد آمد نه عبارتست از بودجه بجهت اینکه قانون بودجه در بودجه است بلکه قانون استخدام عبارت است از اینکه استخدام در مأمورین ملکی یا مالیه نظامی یا عدلیه چهار قسم است اینها مأمورین ملکی هستند چند درجه دارند این درجه با آن درجه چه تفاوت دارد پس در هر درجه بسته است بلیاقت هیچ معنی ندارد بسته است به مدت خدمت اگر لیاقت ندارد اصلاً نباید باشد بعد از آن که لایق است زیادتی مواجب

بموجب مدت خدمت است متلاجهار تومان. فرموداده اند برای چهار سال یک سال خدمت کرد یک تومان می دهند حال دیگر خدمت کرد یک تومان دیگر همانطور تا چهار سال تمام بشود سال پنجم که خدمت کرد ترفیع رتبه خواهد دید و بر تبه بالاتر خواهد رفت پس باید هم چه گفت ترفیع رتبه تفاوت اقل بر اکثر زیادتی حقوق موقوف به مدت خدمت است سال اول که داخل شد حقوق دوجو اول آن مقام را بگیرد یک سال دیگر خدمت کرد درجه دوم را بگیرد سال دیگر خدمت کرد درجه سیم را بگیرد چهار سال خدمت کرد درجه چهارم را بگیرد و ترفیع رتبه حاصل می کند بالا تر برود باینکه مواجب بالاتر بگیرد یعنی اگر جا خالیست که میرود بر تبه بالاتر و حقوق آن مرتبه را هم بگیرد جا خالی نیست افتتاحاً اسامی را می نویسد و مواجب بالاتر را باو میدهند لیاقت یعنی چه ( لیاقت را که بیند وزیر ببیند هر که بیک روز آمدند بیک لیاقتش بیشتر است بیشتر باشد بیک کمتر است کمتر باشد ؟ و باینکه هر که یک سال خدمت کردند بیک لیاقت دارد اضافه حقوق باو بدهند و بیک لیاقت ندارد ندهند و اینکه ترتیب نمی شود عرض کردم باید این مواد را اصلاح کرد که همه مراتب باینکه دیگر متناسب باشند و آن اقل و اکثر هم باینکه دیگر نسبت داشته باشند .

**فهمیم الملک -** اینکه فرمودند غیر از اینکه آنچه نوشته شده است نیست زیرا که ترفیع رتبه نسبت به مدت خدمت منظور شده است اضافه حقوق هم نسبت به مدت خدمت منظور شده است مثلاً نوشته شده است دو سال بدو سال یک تفاوت حقوق باورده شود و دو سال و رتبه ترفیع رتبه حاصل بکنند ولی مستخدمی که بطور صحیح خدمت میکند و خوب باز همه انجام کار بر می آید با بکار دیگری که مثل او خدمت نمی کند و کفایت و لیاقت او را ندارد نمی توان گفت که هر دو بواسطه زیادتی مدت خدمت باید ترفیع رتبه حاصل بکنند یا اینکه بیک درجه حقوق بگیرند لابد باید یک تفاوتی در بین باشد چون گفتیم که مستخدمین که بعد از چهار سال نتوانند ترفیع رتبه حاصل بکنند آنها ممکن نیست بعد از اکثر مقرری مقابله در آن هستند رسند بلکه باین حد اقل و اکثریت یک حقوق با آنها داده میشود و در صورتیکه بکنند مستخدم لیاقت خودش را بخرج بدهد ممکن است بعد از چهار سال بدرجه بالاتر برود پس چه در اضافه حقوق چه در ترفیع رتبه هر دو نسبت به مدت خدمت منظور شده است .

**رئیس -** حالا گویا ما کرات کافی باشد گفتند لایق است .

ماده ۱۲ خوانده میشود بمبارت ذیل قرائت شد

ماده ۱۲ - میزان مقرری انتظار خدمت مستمیری تقاعدی پس از وضع قانون از روی مقرریهای مذکور در ماده دهم معین میشود .

**آقا میرزا ابراهیم خان -** ایام انتظار خدمت را میخواستیم بفرمایند یعنی چه وجه مقرری از برای ایام انتظار خدمت خواهد داد .

**فهمیم الملک -** اگر چه شرح این مطلب کاملاً

**آقا شیخ ابراهیم -** بنده می خواستم این را عرض بکنم مستخدمینیکه در ادارات هستند بعضی داخل خدمت اند با آن ترتیبی که گفته شد

در قانون تقاعدی که بعد خواهد آمد ذکر میشود ولی مختصراً عرض میکنم همه مستخدمین دولت معین است که در هر وزارتخانه بقدر خواهند داشت نظر بخدمات معینه در ضمن اگر چه مستخدمین هر یکی دو سال یا سه سال از کار خارج میشوند موقتا منصل و مصاف میشوند مثل اینکه یک مستخدمی را بخواهند بیک کار را باو رجوع بکنند یا اینکه در یک وزارتخانه یک اداره هست و بواسطه ترتیب جدیدی که در آن وزارتخانه میدهند آن اداره موقوف میشود حالا آتیه ای که در آن اداره داخل کار بودمانند جزء مستخدمین دولت هستند منتهی افکار از بین رفته است و آنها منتظر رجوع خدمت دیگران هستند حالا بطوری که در قانون تقاعد بعد ذکر خواهد شد آنها را معین میکنند که هر اداره نظر به مستخدمین چند نفر منتظر خدمت می تواند داشته باشد صدی صدی از کلبه مستخدمین میتوان منتظر داشته باشد .

مقصود آنها نیست و این قبیل مستخدمین معلوم است وقتیکه از کار معاف می شوند یک مقرری ایام انتظار خدمت می گیرند و اینکه اینجا نوشته شده است برای این است که فرض بفرماییم یک نفر از مستخدمین ماهی هشتاد تومان مقرری دادند ممکن است برای مأموریتی که باو می دهند یک اضافه حقوق هم باو داده شود که مثلاً ماهی صد تومان باشد بعد از آنی که آنکار موقوف شد وقتیکه برای خدمت احضار بشود نه این است که یک حقوق ایام انتظار بایستی باو داده شود آن حقوق از روی این هشتاد تومان معین می شود نه از روی آن صد تومان این بود که اینجا ذکر شده که این مقرریها مقرری کار است و حقوق ایام انتظار که بموجب قانون دیگری معین میشود از روی این مقرریها خواهد بود .

**آقا میرزا ابراهیم خان -** آنچه از این کلمه انتظار خدمت مستفاد می شود این است که اشخاصی که از برای رجوع خدمتی بآنها منتظر می شوند ولی آن ترتیبی که مغیر محترم فرمودند که مراد آنهاست هستند که داخل در کار بوده اند حالا مرخصی خواسته اند یا تعطیل دارند؟ و برای آن ایام مقرری با آنها داده می شود اگر چنین است پس آنها را منتظر خدمت نمی توان گفت برای اینکه منتظر خدمت آنهاست هستند که داخل در کار نشده اند و انتظار این را دارند که آنها را داخل کار بکنند نه آن اشخاصیکه دارای رتبه معین بوده اند و از کار منتظر یا مرخصی شده اند البته برای آنها یک میزان معین خواهد شد که مقرری بگیرند ولی منتظر خدمت گمان نمیکنم که بتوان با آنها گفت .

**فهمیم الملک -** چون قانون تقاعدی پشت سر این قانون خواهد آمد و شرح ایام انتظار خدمت کاملاً در آنجا نوشته شده است و بر فراری که برای انتظار خدمت دارند در آن جا هم مقرر خواهد شد .

**آقا شیخ ابراهیم -** بنده می خواستم این را عرض بکنم مستخدمینیکه در ادارات هستند بعضی داخل خدمت اند با آن ترتیبی که گفته شد



به سی بهقیقت داخل خدمت پستندولی موجب میگردند بعضیها هم در طرف پائین و بعضیها در طرف بالا آنها که در طرف پائین هستند اشخاصی هستند که هنوز آنها را سر خدمت نیارده اند این قسم را منتظرین خدمت می گویند آن ها که در طرف بالا هستند اشخاصی هستند که سن آن ها بالا رفته است دیگر کاری از آنها ساخته نیست این قسم را متقاعدین می گویند و آنها موجب تقاعدی داده میشود این ماده این دو صنف را که داخل در خدمت نیستند می گویند که بان ها حقوق داده می شود ولی از روی حقوق کسانی که داخل در کار هستند .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست يك فتره اصلاحی از طرف آقای معزز الملك پیشنهاد شده است خوانده میشود (بابت ذیل خوانده شد) ماده (۱۲) میزان مقرری انتظار خدمت برای هر يك از درجات معینه در این قانون که ثبت مری هر يك از آن درجات است

**معزز الملك** - چنانکه آقای مخبر هم توضیح دادند این لایحه قانونی يك قانونی است راجع با ارتفاع رتبه ها و ممکن است در يك وزارت خانه که دارای یکی از این مرتبه ها باشد يك رفتی آن شملی که منتهی است در آن وزارت خانه نباشد تا اینکه او دارای آن شملی شود این جهت ممکن است که او را يك مدتی در آن وزارت خانه معطل نمایند و از طرف دیگر اگر ما اینجامین بکنیم آن حقوقی را که در این موارد بان مستخدم خودمان میدهد اربابا تکلیف خواهد ماند یعنی معلوم نمیشود که کمتر از حداقل مقرری آن رتبه باو داده می شود یا اینکه تمام آن بعد باو داده می شود یا بجهت لازم است که در خود این قانون آنچه راجع با انتظار خدمت است يك میزان برای مقرری آن معین کرد ولی آنچه را که باید در اینجا معین شود به عقیده بنده دولت از حقوق او برای مدت انتظار خدمت کافی است و پیشنهاد کردم و گمان می کنم که لازم باشد در آن رأی بگیرییم بجهت اینکه مخبر تقاضای ارجاع آنرا بکمیسیون نکرده اند

**فهم الملك** - ولی این قسمت را بنده تصور می کنم که اثر آقای معزز الملك خودشان پس بگیرند بهتر باشد بجهت اینکه قانون تقاعدی حاضر است و بعد از شور اول این قانون بمجلس تقدیم خواهد شد و در آنجا هم تعیین مدت خدمت هم تعیین میزان حقوق آنها هم چیزهای دیگر شده است و هم قبل از اینکه شور دوم این قانون بعمل بیاید آن قانون بمجلس خواهد آمد و در اینصورت دیگر محتاج باین نخواهیم بود علاوه بر این باید عده منتظرین خدمت مستخدمین وزارت داخله معین باشد و محل حقوق آنها هم معین باشد و اندازه انتظار هم معین باشد آن وقت يك فراری در این خصوص داده شود .

**رئیس** - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای معزز الملك - بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم .

**رئیس** - پیشنهادی کرده اند آقای آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود [از قرار ذیل قرائت شد] این بنده پیشنهاد میکنم که بجای ایام انتظار خدمت ایام مرخصی و تعطیل از کار نوشته شود و نیز مقرری آنرا نصف مقرری ایام خدمت محسوب دارند .

**فهم الملك** - ایام مرخصی مقصود اینست چون مستخدمین در سال یکماه دوماه یا بیشتر یا کمتر ممکن است مرخصی بگیرند ولی آن يك ترتیب باطلعده دارد مرخصی ایام انتظار خدمت را شامل نمیشود انتظار خدمت این است که يك مستخدم را از نفعه که مأموریت دارد خواسته اند و در راه است حالا این جزء مستخدمین اداره هست ولی کاری ندارد و باید حقوق ایام انتظار باو داده شود و الا مرخصی يك چیز دیگری است .

**رئیس** - آقای آقا میرزا ابراهیم خان چون پیشنهاد کرده اند حق دارند که توضیح بدهند **آقای میرزا ابراهیم خان** - مقصود از مرخصی قانون استخدام چون ترتیب ادارات است نه دیگر این ترتیب را که میفرمایند در آنها نباشد آدم بی کار لازم نباشد که يك آدمی را معطل بکنند از برای اینکه وقت وقتی جسمی باو رجوع خواهد کرد اشخاصی که در دربار دولتی مستخدم هستند با آنها در صورتی موجب داده میشود که مشغول خدمت و سرمیز کار باشند مگر اینکه برای يك کار شخصی خیلی لازمی يك ماه چهل روز مرخصی بخواهند مأمورین وزارت خارجه که مأموریت میدهند پس از سه سال پنجسال اگر ششماه مرخصی بخواهند ما آن ایام مرخصی میگیریم ایام انتظار نماندیم اگر چه معین است که تمام موجب این مدت با آنها داده نخواهد شد بلکه نصف داده میشود و اینکه میگویند ایام انتظار این اصلاح بیشتر بود یعنی در فلان وزارت خانه من يك عریضه میدهم وزیر مینویسم که مرا بخدمتی منصوب بدارند میگویند خیالی خوب حالا در اینجا مشغول باشد تا وقتی که خدمتی باو رجوع شود این شخص و این حالت را حالت منتظر و ایام انتظار میگویند دیگر نمی توان این شخص را داخل خدمت دانست و حالا که ما میرا هم این ترتیب منسوخ بشود و اشخاص در دوائر بیکار و معطل نباشند و بودجه ماهر نشود از مقرری های بدون استحقاق بنده این کلیه انتظار را بکلی رد میکنم و عرض میکنم که باید نوشته شود ایام مرخصی و تعطیل و در این مدت هم فقط نصف موجب مطابق معمولی تمام دنیا تا وقتی که اجازه دارند با آنها داده شود و اگر ششماه که اجازه گرفته اند يك ماه طول کشیده و هفت ماه شد موجب آن يك ماه را باو نخواهند داد .

**فهم الملك** - اینکه بنده عرض کردم که بعضی دقائق این مطلب بماند تا وقتی که آن قانون بمجلس بیاید برای این است که وقتی آن قانون بیاید رقم خیلی از این اشکالات خواهد شد و معلوم میشود که مرخصی غیر از انتظار خدمت است يك وزیر مختاری فرضاً ما داریم در پاریس ششماه مرخصی میگیریم که باید طهران او داخل انتظار نیست و باید تمام حقوق خودش را بگیرد ولی اگر بگیرد که این

**فهم الملك** - این را کمیسیون قبول دارد **رئیس** - رجوع می شود بکمیسیون . دیگر مخالفی نیست ماده سیزدهم خوانده میشود (بابت ذیل قرائت شد) ماده (۱۳) - اشخاصی که در موقع وضع این قانون در ادارات دولتی مستخدم میباشند پس از آنکه مقام هر يك موافق شرایط مذکور در ماده (۸) معین گردید قدر اقل مقرری آن مقام را دریافت میدارند و همچنین اشخاصی هم که در آنجا داخل خدمت وزارتخانهها میشوند مقرری ایشان از قدر اقل شروع خواهد شد .

وزیر مختاری که می آید بطهران انتظار خدمت است معین اینست که می آید اینجا و هیچ کاری ندارد تا وقتی که مأموریت دیگری باو بدهند پس ای مرخصی يك شرایط دیگری هست که در داخله يك مدت معین میکنند و در خارجه يك مدتی و اگر از آن میزانی که اجازه گرفته است تجاوز کرد هیچ چیزی باو نخواهند داد اینک میفرمایند که این ترتیب سابق است بنده که عرض کردم باید معین شود که در هر وزارتخانه چه اندازه منتظر خدمت باید باشد و مستخدمین منتظر خدمت چندسال باید داخل انتظار بمانند و الا رضایت کاری تعطیل میشود شخصی که متصدی آن بوده است که بی کار نمی ماند باید يك مأموریت و کار دیگری باو رجوع بشود در این بین که فاصله میشود حقوق خواهد گرفت و همچنین راجع بامورین خارج از مملکت یا خارج از مملکت هر کدام يك ترتیبی داده که معین خواهد شد و همین طور مستخدمین حالت انتظار هم يك ترتیبی دارند که يك نفر مستخدم را در پیش از يك سال نمیتوان منتظر خدمت گذارند اینها چیزهایی است که به ما باید بیاید و معین شود و در اینجا فقط ما خواستیم معین کنیم که اگر نباشد چیزی با آنها بدهند از روی نسبت مقرری ایام خدمت باو يك چیزی بدهند و الا سایر نکات و ترتیبات آنها علیحدته است و در آن قانونی که بجای می آید نوشته خواهد شد در وقت آن که در شامه انتظار را اصلاح میفرمایند ممکن است يك لفظ دیگری که اسباب اشتباه نشود بترسیم مثلا بگوئیم مستخدمینی که در حالت انتظار هستند یعنی يك خدمتی داشته اند و حالا از او گرفته اند به دیگری داده اند و خودش منتظر خدمت است .

**رئیس** - رأی می گیریم باصلاح آقای آقا میرزا ابراهیم خان بیکمرتبه دیگر خوانده می شود [قرائت شد] آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند [رد شد] پیشنهادی هم آقای معاضد الملك کرده اند خوانده می شود (بابت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم ایام مرخصی و انتظار خدمت نوشته شود .

**معاضد الملك** - همینطوری که آقای مخبر فرمودند از برای منتظرین اینجا يك تکلیفی معین کرده اند ولی از برای مرخصی هیچ اشاره نکرده اند که تکلیف آنها چیست و ضرری هم ندارد که اشخاصی که مرخص می شوند و در خارج کارشان تعطیل میشود معین بشود .

**فهم الملك** - این را کمیسیون قبول دارد **رئیس** - رجوع می شود بکمیسیون . دیگر مخالفی نیست ماده سیزدهم خوانده میشود (بابت ذیل قرائت شد) ماده (۱۴) - اشخاصی که در موقع وضع این قانون در ادارات دولتی مستخدم میباشند پس از آنکه مقام هر يك موافق شرایط مذکور در ماده (۸) معین گردید قدر اقل مقرری آن مقام را دریافت میدارند و همچنین اشخاصی هم که در آنجا داخل خدمت وزارتخانهها میشوند مقرری ایشان از قدر اقل شروع خواهد شد .

**فهم الملك** - این را کمیسیون قبول دارد **رئیس** - رجوع می شود بکمیسیون . دیگر مخالفی نیست ماده سیزدهم خوانده میشود (بابت ذیل قرائت شد) ماده (۱۴) - اشخاصی که در موقع وضع این قانون در ادارات دولتی مستخدم میباشند پس از آنکه مقام هر يك موافق شرایط مذکور در ماده (۸) معین گردید قدر اقل مقرری آن مقام را دریافت میدارند و همچنین اشخاصی هم که در آنجا داخل خدمت وزارتخانهها میشوند مقرری ایشان از قدر اقل شروع خواهد شد .

**حاج سید ابراهیم** - بنده صلاح نمی دانم که در قانون ذکری از اشخاص بشود کلیه باید نوشت که از موقع وضع این قانون بشمار مستخدمین دولتی قدر اقل داده می شود بجهت اینکه میدانید ترتیب وزارتخانههای ما چیست دیگر آنکه اشخاصی هستند که وجودشان لازم نیست پس عبارت هم باید اینطور نوشته شود که پس از آنکه لزوم مقام هر يك موافق شرایط مذکور در ماده (۸) معین گردید تا آخر والا همان اشخاصی که خودشان را داخل ادارات کرده اند بهمان حالت باقی خواهند بود .

**فهم الملك** - اولاً اینکه فرمودید نباید ذکری از اشخاص در قانون بشود خود کلمه مستخدمین را که میفرمایند معین اشخاص است و تا این شرایط مذکور در ماده هشت را که لایحه فرماید برفع اشکالات خواهد شد .

**حاج شیخ اسدالله** - این حد اقل و اکثری که معین شده بود يك نظر بواسطه کثرت مدت خدمت بود و يك نظر بواسطه اهمیت کار و خدمت و اینکه در اینجا نوشته است که اشخاص در خدمت وزارتخانه ها داخل می شوند حقوق آنها از حد اقل داده خواهد شد متانی با آن نظری است که در حد اقل و اکثر منظور شد مثلا يك مادی برای وزارت داخله معین شده است حالا قدر اقلش را باید باو داد و اینکه بواسطه اهمیت مقامش حقوق برای او معین میشود این را خوب است توضیح فرمایید .

**فهم الملك** - جزء اول و دوم ماده (۱۱) را که بخوانند جواب میدهند . **حاج سید ابراهیم** - بنده عرض میکنم اینکه آقای مخبر فرمودند که ماده (۸) نوشته است تصحیح است ولی ماده هشت لزوم مقام را که میفرمایند خوب است که کلمه لزوم را همانطوری که عرض کردم در اینجا بنویسید که این اشکال رفع بشود .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست و ماده چهاردهم خوانده میشود (بابت ذیل خوانده شد) ماده (۱۴) اضافه مقرری و تعیین مبلغی که باید اضافه شود پس از بروز لیات و کفایت بنده بنظر وزیر است لکن در هر دو سال بیکمرتبه بیشتر اضافه مقرری داده نشده و در هر مرتبه بیش از ثلث تفاضل قدر اقل بر اقل نخواهد بود و بالاخره از قدر اکثری که در ماده دهم تعیین گردیده تجاوز ننماید .

**لسان الحکماء** - این بالاخره يك لفظ مهمی است که به حقوق منظور نخواهد شد و این يك فرض محالی است که اینجا نوشته اند بجهت اینکه نوشته اند در هر دو سال بیش از ثلث تفاضل قدر اقل مقرری صد و بیست تومان شد و قدر اکثر صد و پنجاه تومان تفاضل قدر اکثر بر اقل سی تومان میشود و از این قرار در دو سال اول ثلث آن که صد و بیست تومان میشود باو داده میشود و در سال چهاردهم تومان دیگر پس از اول این حساب هیچوقت مقرری او بمذاکره نخواهد رسید و در سال پنجم هم که از نگاه رتبه حاصل خواهد کرد .

**فهم الملك** - همیشه ارتقاء رتبه مستلزم اضافه حقوق است و حقوق هم معین است برای کار فرض فرمایید که يك مستخدمی در کار خودش باقی است درجه افتخاری هم میگیرد مثل اینکه رئیس شهبه است حالا افتخاراً رتبه رئیس اداره را باو دادند حالا میفرمایند که در این صورت ممکن نیست پیش از ثلث تفاضل قدر اکثر بر اقل باو اضافه حقوق بدهند اینطور نیست بملت اینکه در مرتبه اول که ثلث گرفته است دارای این رتبه افتخاری نبوده است و حالا دادا است و میشود که قدر اقل مقرری رتبه افتخاری را باو داد پس این قید بشود به عقیده بنده بهتر است .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست - ماده یازدهم خوانده میشود (از قرار ذیل خوانده شد) ماده (۱۵) مستخدمینی که ارتقاء رتبه حاصل میکنند باید ملاحظه شود که قصاب مقرری حاصل ننمایند .

**حاج سید ابراهیم** - این را خوب است بفرمایند توضیح بدهد که مراد از این عبارت چیست .

**فهم الملك** - رئیس شهبه قدر اقل مقرری اش صد تومان است و قدر اکثرش صدوسی تومان رئیس اداره قدر اقلش صدوسی تومان قدر اکثرش صد و پنجاه تومان رئیس شهبه بعد از چهار سال صدوسی تومان را میگیرد و ترفیع رتبه باو بدهند ولی جا خالی نیست افتخاراً آن رتبه را دارد تا وقتی که جا خالی شود جا خالی شد میشود رئیس اداره حالا نباید گفت که چون تازه بریاست اداره معین شده است باید همان قدر اقل را بگیرد .

**بجهت** - بنده هم همین نظر آقای حاج سید ابراهیم را میخواستم عرض کنم یعنی مقصود این است که رئیس شهبه حد اقلش صد تومان حد اکثر صدوسی تومان و قتیکه ارتقاء رتبه پیدا کرد دیگر نمیشود گفت صدوسی تومان بیاورند این معلوم است ولی وقتی که گفتیم نمیشود باید دانست که چه میشود باید حد اکثر را باو داد تا وقتی که جا خالی شود یا طوری دیگر باید کرد این عبارت مجمل است باید نوشته میشود .

**رئیس** - اگر پیشنهادی دارید بنویسید برای میگیریم و الا شفاهاً نمیشود پیشنهاد کرد .

**حاج سید ابراهیم** - این عبارت از قرار ذیل قرائت شد) ماده (۱۶) مستخدمین وزارت خانه که با ترتیبات اداری مخالفت نموده و با وظایف خود عمل نکنند و یا سوء رفتار و یا اعمالی از ایشان مشاهده شود که متانی مقام ایشان است تنبیهات دبل در باره آنان مجری تواند شد . (۱) اختصار (۲) شمانت (۳) کسر مقرری (۴) انفصال موقتی (۵) نزل مقام (۶) عزل دائمی مواردی که مستخدمین مستوجب هر يك از این درجات تنبیه تواند شد در نظامنامه داخلی وزارتخانهها معین خواهد گردید و عندالروم در کمیته مرکب از مدیران و وزارتخانه مربوط رسیدگی بعمل آمده و پس از تعیین مجازات بموجب حکم کتبی وزیر بوقوع اجراء گذاشته میشود مگر در موقع عزل که موافق ماده نهم عمل خواهد شد تنبیه و سیاست مستخدمین از هر درجه باشد در وره خدمت ایشان ثبت میشود .

**حاج سید ابراهیم** - بنده لفظ شمانت را در

ایشنا خیلی بی مناسبت میداد بنده نوشت و بجز این اختصار با درج در وره خدمت والا لفظ شمانت را مناسب نیست که مانده در یکی از تنبیهات قرار بدهیم .

**حاج شیخ اسدالله** - و با اعمالی مشاهده شود که متانی مقام ایشان است بنده میخواستم سؤال کنم که آن اعمال چه اعمالی است و باید بنظر که باشد تا این که به بیند آن اعمالی که از ایشان صادر میشود متانی با مقام ایشان است بیامانی نیست و بعد از آن اختصار باشمانت هم مجمل است و باید توضیح بشود که مراد از این دو عبارت چیست .

**فهم الملك** - جمله آخر ماده را ملاحظه فرمودند که نوشته شده است مواردی را که مستخدمین مستوجب مجازات تواند شد در نظامنامه داخلی وزارتخانهها معین خواهد گردید تصدیقاتی را که ممکن است اعضاء ادارات بکنند مثل این است که در کوچه هر زکی بکنند یا اینکه مست بکنند یا يك کار بدی را مرتکب بشود و از این قبیل اینها که دیگر قانون نخواهد شد تا این شرح داده شود اینها باید وزارتخانهها در نظامنامه داخلی خودشان بنویسند و معین کنند که درجه وقت اختصار چه وقت شمانت چه وقت عزل دائمی خواهد بود و تصویب شورای دولتی خواهد رسید .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده کاملاً موافقم ولی در این کلمه که نوشته شده است مجری تواند شد استدا میکنند که آقای مخبر هم قبول فرمایند که محتاج به پیشنهاد کتبی نباشد نوشته شود تنبیهات ذیل درباره آنها حتمی الاجرا است مجری تواند شد معنی ندارد .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست و ماده (۱۷) قرائت میشود (از قرار ذیل قرائت شد) ماده (۱۷) - اگر مستخدمی مستوجب مجازاتی شده باشد که مستلزم کسر حقوق است و در عرض آمدت موقع اضافه مقرری برسد آن اضافه از آن مستخدم مضایقه میشود باید دلیل مضایقه را باو گفته و پس از انقضای مدت مجازات آن اضافه در حق او برقرار شود و محروم مستخدمی از اضافه حقوق نماند برقرار کردن آن باید بحکم کتبی وزیر باشد .

**حاج سید ابراهیم** - اینجایی نویسد که اگر مستخدمی مستوجب مجازاتی شده باشد که مستلزم کسر حقوق است و در عرض آن مدت موقع اضافه مقرری برسد آن اضافه از آن مستخدم مضایقه می شود این عبارت ظاهرش میسراند که اگر موقع مجازات مصادف شد با موقع اضافه همان اضافه مقرری که باستانی باو داده شود مضایقه میشود حالا اگر این مضایقه علاوه بر کسر حقوق او است که هم کسر حقوق میشود هم اضافه مضایقه میشود باید توضیح شود و الا این عبارت آنرا نمیسراند .

**فهم الملك** - چون کسر مقرری که بتوان مجازات باشد يك ترتیب مخصوصی دارد مثلا می نویسد اگر مستخدمی وره از اوراق اداره را دزدید باید فلان اندازه از مقرری او کسر شود مثلا می بیند که مقرری يك ماهه او قدر است آنوقت نصف یا ثلث یا ربع آنرا در چند ماه کسر میکنند این ترتیباتی است که



در نظام نامه داخلی بایستی مین بشود حالا فرض بفرمایید مستخدمی که مستوجب یک چنین مجازاتی شد اول حمل در تحت مجازات آمد در عرض آمدنی که او محکوم باین مجازات شده است یک اضافه مقرری بسایر مستخدمین داده میشود آن اضافه از او مضایقه میشود فرضاً پنجاه تومان داشته است و حالا میبایستی شصت تومان بگیرد همان پنجاه تومان را باید میدهند و ماخذ کسر حقوق هم همان حقوق سابق او خواهد بود ولی همینکه مدت محکومیت او که فرضاً شصت است تمام شد آن شصت تومان را که از اول حمل می بایستی باو داده شود خواهد گرفت .

**رئیس** - دیگر مخالفی در این خصوص هست گفتند خیر شورای اول قانون تمام شد و دیگر کسیون آقای رئیس الوزرا نوشته اند که چون امروز کار مهمی داشتند نتوانسته اند تشریف بیاورند برای مذاکره در استقراض بنام این مذاکره در خصوص استقراض میباید برای روز شنبه - حاله دقیقه تنفس میشود بعد از آن در آنرا داد مسیو مولیتر مذاکره خواهد شد .

بعد از تنفس مجدداً سه ربع ساعت قبل از فروپ تشکیل شد .

**رئیس** - راپورت کمیسیون فواید عامه و کمیسیون بودجه راجع بکنکرات مسیو مولیتر فرائت میشود ماده اول که راجع به مدت برده سه ساله در مجلس تصویب و گذشته است و ماده دوم که راجع به حقوق اوست چند روز قبل بمجلس آمد و رجوع شد کمیسیون بودجه و در ذللی راپورتی از کمیسیون بودجه داده شده است که فرائت میشود پیشنهاد کمیسیون بودجه بمضمون ذیل فرائت شد .

بتاریخ نوزدهم ربیع الثانی پیشنهاد وزارت پست و تلگراف در خصوص حقوق مسیو مولیتر باضماف راپورت کمیسیون فواید عامه در کمیسیون بودجه مطرح مراد ۳۳۲۷ راپورت سابق راوزاد پست و تلگراف مسترد نموده و در عرض که ماده ذیل را پیشنهاد نموده بودند .

ماده ۴ - حقوق مسیو مولیتر بیست و یک هزار و پانصد فرانک .

**مشیر حضور** - بنده گمان میکنم که با این وضع بودجه ملکتمان و فقر عمومی بیست و یک هزار و پانصد فرانک بیک نفر مدیریت دادن خیلی زیاد است تصور میکنم که یک نفر از سوس یا بلژیک از خارج بشود جلب میکنند بعد از ده هزار فرانک و اگر چنانچه مسیو مولیتر با پانزده هزار فرانک استخدام را قبول میکنند تصویب میکنند و الا تصویب نخواهم کرد یکی هم در باب کمک خرجی که کمیسیون تقریباً او را تصویب کرده است یعنی مونسد کمک خرجی در جزء بودجه وزارتخانه پیشنهاد نموده و باید از تصویب مجلس بگذرد آنجا لفظ باید یک طوری میکنند که ما را مجبور میکنند و این را صحیح نمی دانم .

**شیبانی** - در باب مسیو مولیتر گفته شد در مجلس که اگر چنانچه مجال داشتیم که از خارج تحصیل یک مستخدمی بگیریم که بعضی معلومات در او باشد این کار را میگرد مجلس اما این کثرت در موقی

بمجلس آمد که وقت نفل بود و بعضی مواد آن را مجلس قبول کرد و رای داد تصور نمیکنم از برای این جزئی تفاوت نباید رای داد در موردی که ما اضافه حقوق مستخدمین بلژیکی که از برای کمرک پیشنهاد مجلس شد تمام را قبول کردیم چطور این را رد کنیم و در صورتیکه از عهد خدمتیکه باو راجع شده است بخوبی از عهد بر آمده است و بخوبی اداره پست را اداره کرده است گمان نمیکنم باید تفاوت گذاشت بین او و بین مستخدمین کمرک .

**ادیب التجار** - صحبت در سابقه خدمات مسیو مولیتر نیست و کسی هم شکایتی از او اظهار نمیکند فقط همان است که آقای مشیر حضور بیان کردند چون بودجه ملکنت اقتضا ندارد که خیلی زیاد رویا بشود و قدر دانی ملحوظ شده است بجهت اینکه بعد از مراد فرانک حقوق باو داده شده است بیش از آنرا بنده با این وضع حالیه مالبه زیاد میدانم و مخالف هستم با باین راپورت .

**محمد هاشم میرزا** - بنده میخواستم رفع افتخار از آقای مشیر حضور بکنم .

**حاج عز الممالک** - اینجا اول آقای مشیر حضور اشتباه کرده اند لفظ باید لفظ اجبار نیست و در این موقع هم که بودجه بمجلس آمده است خواهد بود که رای خودش را در رد و یا قبول آن اظهار بکند و کمک خرج هم یک چیز واضحی نیست حالا وزارت پست لازم می داند که مضارح فوق العاده برای او لازم است کمتر از این هزار و پانصد تومان پیشنهاد کند و اینکه نوشته است هزار و پانصد فرانک از خرج فوق العاده اضافه مواجب او شود کمیسیون این را عقیده داشت که ذکر شود در اینجا که اگر در ضمن بودجه پست کمک خرجی برای مسیو مولیتر پیشنهاد شد خاطر آقایان مسبق باشد که این یک هزار و پانصد فرانک کسر شود اما بیست و یک هزار و پانصد فرانک که اینجا نوشته شده است نظر وزیر باین بوده است که سایر مستخدمینی که برآک کمرک استخدام شده اند و تقریباً همین نخست وزیری را داشته اند آنها هم همین مبلغ مواجب داشته اند و چنانچه مجلس هم در ماده اول تصویب کرده است تجدید این کثرت را و در تحت خواسته است این مستخدم را بس باید طوری این حقوق را داد که او هم از عهد خدمت بتواند بر آید .

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا اگر مخالف ندارم .

**دکتر علیخان** - بنده مخالفم با این مبلغی که باین مواجب مسیو مولیتر و کلیه مخالفم با این مواجب هائیکه داده می شود باری بانی ها و این را برای این عرض میکنم که چون گفته شد چون اضافه مواجب با جزاء کمرک داده شده است به مسیو مولیتر هم باید زیاد داد بنده آنوقت عرض کردم حالا هم عرض میکنم ما باید در ایران که مستخدم زیاد لازم داریم باید یک میزانی را بدست داشته باشیم و یک روزی باید شروع با اساس کرد همیشه اگر ما بخواهیم قیاس بکنیم با آن مواجب هائی که

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا اگر مخالف ندارم .

**دکتر علیخان** - بنده مخالفم با این مبلغی که

باین مواجب مسیو مولیتر و کلیه مخالفم با این مواجب هائیکه داده می شود باری بانی ها و این را برای این عرض میکنم که چون گفته شد چون اضافه مواجب با جزاء کمرک داده شده است به مسیو مولیتر هم باید زیاد داد بنده آنوقت عرض کردم حالا هم عرض میکنم ما باید در ایران که مستخدم زیاد لازم داریم باید یک میزانی را بدست داشته باشیم و یک روزی باید شروع با اساس کرد همیشه اگر ما بخواهیم قیاس بکنیم با آن مواجب هائی که

مستخدمین خارجه داده می شده است این نمی شود برای اینکه در هر ملکتی یک مواجبی برای مستخدمین و معلمین مین است در این ملکتم هم باید قرار بگذارند هر چه از برای مستخدمین خودشان قرار می گذارند همانرا مضاف کنید گمان میکنم که هیچوقت لازم نیست که این مواجب زیاد داده شود و مخصوصاً مسیو مولیتر هم از فراری که بنده می دانم گویا متخصمی در این کار نیست و اگر بخواهیم متخصمی از برای این کار از خارجه بیاوریم ممکنست خیلی اذانترا بشود .

**حاج سید ابراهیم** - بنده چندان مخالفت با دکتر ندارم ولی این را میخواستم عرض کنم که ما نباید این اندازه ملتفت نباشیم یک عده مستخدمین را می خواهیم تجدید کنیم بعضی را بترتیبی تجدید کنیم آنوقت نسبت بعضی دیگر وسط کار بدون اینکه وقتی داشته باشیم این اظهارات را بکنیم و می خواهم عرض کنم که در حقیقت حقوق مسیو مولیتر آنچه در اینجا داده شده است خیلی کمتر از دیگران داده شده و کمیسیون کمتر تصویب کرده است بجهت اینکه هزار و پانصد تومان فوق العاده و بعضی اضافات و اختیارات باو داده بودند کمیسیون این هارا تمام استرداد کرده و فقط بیست هزار فرانک پیشنهاد کرده و یک هزار و پانصد فرانک اضافه هم از آن حقوق فوق العاده او کسر خواهد شد که باو میدهند .

**دکتر اسمعیل خان** - بنده گمان میکنم اگر کمیسیون بودجه پست و تلگراف این مسئله را خوب تشریح کرده بود همه آقایان رای میدادند .

**رئیس** - باچه واقفید ؟

**دکتر اسمعیل خان** - با این جمله که از کمیسیون پیشنهاد شده که این هم از پانصد فرانک جزء کمک خرج او خواهد شد کمیسیون هم تصویب کرده است .

**رئیس** - صحبت در ماده دوم است بفرمائید .

**دکتر رضا خان** - بلی اینجا از اعضای کمیسیون بودجه دفاع می کنند چون مواجب زیاد بوده است کم کرده ایم و نظر با اعتراضی که داشته است حالا تصویب میکنیم بنده گمان میکنم که آنوقت ما بهشت صد تومان قانع نشویم این خیلی بد است در صورتی که ممکن است ده روز از خارجه متخصمی برای اینکار بخواهیم و بیاید نمیشود این را سند بگیریم که ۲۱ هزار و پانصد فرانک در یکجا بدیم و در یکجا هم هزار و دو صد تومان آنهم میشود معادل سه چهار هزار فرانک تقریباً مواجب یک وزیری میشود بیک مدیر بدیم بنده مخالفم با این ترتیب .

**معاون وزارت پست** - چون این مسئله کثرت مسیو مولیتر خیلی طول کشیده تقریباً ۷ ماه است بمجلس آمده است و چندین مرتبه به کمیسیونها رفته است و خیلی جرح و تعدیل شده است و گمان میکنم خاطر آقایان یک قدری مشوب است از بهارت این راپورت و لازم است بنده قدری توضیحات بدیم که خاطر مبارکشان مسبق باشد اول اینکه میفرمایند این اضافه که داده میشود زیاد است و بملت

اینکه بسایرین دادیم باید بدیم اینطور نیست موافق ترتیب مستخدمین بلژیکی که آورده ایم اینجا فرار است که بعد از سه سال خدمتی که میکنند باید اضافه مواجبی بآنها داده شود و همین جهت است که این اضافه داده شده است بی ماخذ نه بوده است در کثرت اولیه ایشان هم بوده است و باین جهت است که هر درجه داشته اند باین چند نفری که آمده اند بهمان درجه از طرف وزرا پیشنهاد شده است که اضافه داده شود مسیو مولیتر از شخصی بودند که در اداره کمرک ۲۱ هزار و پانصد فرانک درجه او بوده است و در همانجا تصویب شده است به همین علت و حاله که در اداره کمرک نیست به همین جهت است که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما توضیحات بدیم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلاً که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما توضیحات بدیم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلاً که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما

توضیحات بدیم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلاً که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما توضیحات بدیم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلاً که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما توضیحات بدیم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلاً که برای او پیشنهاد شده است و از برای تفاوت خرجش که اینجا گفتگو میشود اگر چه در ماده بدست اما

تفاوت خرجی که با آنها داده میشود باید بعنوان تفاوت خرج با آنها داده میشود پس در این صورت وقتی که نظر میکنیم می بینیم تفاوت خرج که سابقاً داده می شده است بی ماخذ نه بوده است همین ۲۱ هزار و پانصد فرانک که باو داده میشود این حقوق گذشته اوست که مطابق کثرت اولیه او باشد و اما در باب خود این آدم که می فرمائید خوب است بکنفر آدم امروزه بیاوریم امروز این آدم خودش هم خیلی افسوس دارد که بعد از آنی که هشت سال آمده است در این ملکتم خدمت کرده است و یک اداره پستی که بی ترتیب بوده مرتب کرده است ما یک بی انصافی می خواهیم بکنیم و میگوئیم ۲۱ هزار و پانصد فرانک که بیک همچو آدمی داده میشود هزار و پانصد فرانک او از بابت آن تفاوت خرجی که برای او معین شده است بیائیم کسر بکنیم این را خودش خیلی افسوس می خورد و گمان میکند که دولت از خدمات او ناراضی است و حال اینکه دولت از خدمات او کمال رضایت را دارد و امروز بکنفر اروپائی را آوردن محققاً آن اطلاعات داخلی که لازم است امدی آورد پیدا نخواهد کرد و در اینکه ما اداراتمانرا باید از مستخدمین اروپائی مرتب بکنیم حرفی نیست چنانچه بعد خواهیم خواست مستخدمین دیگری رما در اداره مان همین یک نفر بلژیکی را داریم که در اداره پست است و الا هم هفت ماه است که این کثرت پیشنهاد مجلس شده است و باین دلایلی که عرض کردم خیلی افسوس دارم که مسئله این راور بماند دو ماه هم هست که از مدت کثرت او میگذرد و تکلیف او معلوم نیست .

**افتخار الواعظین** - آقایان بنظر مبارکشان هست روزی که کثرت مستخدمین کمرک آمد اینجا و بنده بودم که ضحیت داشتم این که وقتی که اضافه حقوق بکسی میخوانند بنده باید از روی یک فاعده باشم که مأمورین خارجی و داخلی هیچ فرق نداشته باشند در این جا پس از این که این کثرت بمجلس

آمد بنده شخصاً از وزیر پست و تلگراف تحقیق کردم ۱۸ هزار فرانک حقوق ایشان است موافق آن قرارداد که دولت با تمام مستخدمین اداری داده است دوهزار فرانک ایشان علاوه داده میشود هزار و پانصد فرانک هم این جا از مواجب فوق العاده که دولت باو فرار داده است که سالی هزار و پانصد تومان باو بدیم این هزار و پانصد فرانک از او کسر میشود و لکن اگر کسی تحقیق کند خدمات این آدم را باید اقرار کند که این شخص در اداره پست خدمت نمایان کرده است یعنی پستخانه های بدیده در جاهائی که نبوده تأسیس کرده و در جاهائی که بوده است منظم کرده است و فقط یک نکته است که بنده بطریق اشاره عرض میکنم و آقایان البته خاطر مبارکشان مسبق است و تصدیق خواهند کرد و آن این است که اگر امروزه این شخص را برداریم و دیگری را بیاوریم و بجای این بگذاریم تا وقتیکه از ترتیب اداده بدستش بیاید از برای ما در اداره پستخانه بعضی معظورات پیش خواهد آمد که ضرر آنها بیش از این اضافه حقوق خواهد بود بملاحظه آن نظرات است که بنده تصویب میکنم این بیست هزار فرانک داده شود و این کثرت از مجلس بگذرد

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده عرض میکنم که این ماده اول که از مجلس گذشت مدتی قبل از این بود و از وقتیکه این راپورت آمد بمجلس تا حال شش ماه متجاوز است و روزیکه آمده اول گذشت این ماده را تاخیر انداختیم بجهت این بود که نمایندگان هر کدام در این خصوص تحقیق و تصویب اطلاق میکنند که در مجلس بدون مذاکره رای نگیریم و حالا بنده تقاضا میکنم که رای گرفته شود بجهت این که هر یک از نمایندگان بقدری که لازم است تحقیقات در این خصوص کرده اند یا قبول میکنند یا رد میکنند در هر صورت خوب است رای گرفته شود .

**رئیس** - رای خواهیم گرفت چون عده کافی نبود از این جهت مذاکره طولانی شد و حالا رای باورقمی بگیریم آقایانی که با ماده دوم کمیسیون موافق هستند ورقه سفید خواهند انداخت و آنها تیکه مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت در این موقع شروع باخذ آراء گردید و حاج میرزا رضاخان احصاء نمود .

**رئیس** - با کثرت ۳۸ رای ماده دوم تصویب شد . (اسامی اشخاصی که تصویب کرده اند ) آقای محمد بروجردی - آقا شیخ رضا دهخوارقانی - آقا میرزا محمد نجابت - مستمدا التجار - صدر الممالک - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - حاج مصدا الممالک - شیبانی - حاج سید نصرالله - آقا شیخ علی شیرازی - آقا سید حسن مدرس - ذکاء الملک انتظام الحکماء - حاج شیخ الرئیس - متین السلطنه - آقا میرزا ابراهیم قزوینی - وحید الملک تربیت - لسان الحکماء - آقا سید حسین اردبیلی - آقا سید حسین کوزلی - مستمدا السلطان - میرزا مرتضی قلیخان - ضیاء الممالک - آقا شیخ فالاحسین .

**فهم الملک** - حاج سید ابراهیم - آقا سید محمد رضا حاج شیخ اسدالله - آقا میرزا ابراهیم خان - معاضد الملک

حاج میرزا رضاخان - هوالمالک - دکتر اسمعیل خان - ارباب کیخسرو - افتخار الواعظین - معمد البیوه **رئیس** - ماده پنجم کمیسیون که حالا ماده ۳ شده است قرائت میشود .

ماده ۴ - که شرح هر ساله در بودجه پیشنهاد میشود و در کثرت ذکر نخواهد شد . **رئیس** - این چیزی نیست که ما در آن رای بگیریم ماده اول که راجع بود بدت که رای گرفته شده است و این ماده دوم که رای گرفته شده است با ماده ۳ و ۴ کمیسیون فواید عامه این ماده پنجم است که در این راپورت ماده ۳ شده است مخالفی نیست رای می گیریم آقایانی که با این ماده موافقتند بنام نمایند - (درصد اظهار شده که توضیح نشد رای مشکوک شد)

**رئیس** - این راپورت مدتی است طبع و توزیع شده و بنده هم اطلاع دارم اگر همراه آورده بودید این طور نمیشد یک مرتبه دیگر خوانده میشود و رای گرفته میشود مجدداً قرائت شد .

**فهم الملک** - بنده تصور نمی کنم که این بکار رای ندادند بجهت این بود که ماده قانونی که در مجلس آن رای گرفته شود بود و منظر بودیم که معاون پست و تلگراف آنرا مسترد بدارند حالا هم استدعا میکنم مسترد دارند که احتیاج برای مجلس نباشد

**حاج سید ابراهیم** - عرض می کنم این ماده اشاره بیهضی ملاحظاتی است که در پیش برخلاف قانون گذاشته بودند و حالا لابد باید ذکر شود که معلوم شود وظایف او در تحت نظر وزیر است [گفتند صحیح است]

**رئیس** - رای می گیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند - (با کثرت ۵۲ رای تصویب شد) .

ماده ۶ - کمیسیون فواید عامه ببارت ذیل فرائت شد که ماده دیگری بشود ماده دیگری در کثرت ذکر شود که وزیر پست و تلگراف هر خدمتی راجع با اداره تلگراف بمسیو مولیتر رجوع نمایند از قبول آن مکلف است ولی اگر آن خدمت مستلزم مشولیت دیگری باشد که مدیر کل را از خدمت اداره پست منصرف نمایند دولت بکنفر معاون کافی با خواهد داد

**آقا میرزا ابراهیم خان** - بنده باین دلیل مخالف باین ماده که عرض می کنم که وزارت پست و تلگراف بخواهد یک معادنی برای او آورده مانباید رای بدیم بیک معادنی موهوم هر وقتی که لازم دانست بخنفر معاون بدیم که کارهای اداره تلگراف را مرتب بکنند در آنوقت بمجلس پیشنهاد خواهد کرد و ما هم در آنوقت رای خواهیم داد

**بجهت** - این یک اشتباهی می شود باید حل شود یک نسبتی است بین وزیر و مستخدم اگر وزیر از اداری پست خواست استفاده از این مستخدم بکنند نباید یک مانی در پیش پای خودش به بیند مثلا اگر وزیری آمد بدون اینکه یک معاونی برای او معین بکند یک کاری را با رجوع می کند که اسباب اختلال امر پستخانه شده معلوم است این ترتیبی







اظهار بی نظمی بکنید اختار باقیه در صورت مجلس خواهم کرد .

حاج شیخ الرقیس - بنده همچو تصور

می کنم آقا بانی که مخالفت با اساس کمیانی دارند کائنات ماکان هیچ دلیل منطقی ندارد بواسطه اینکه دولت مالک املاکی است همان قانون الناس سلطون علی اموالهم حالا می خواهد مالش را اجازه بدهد یا یک طایفه دیگر منافش را منتقل بکند بیک هیئتی یا بیک شخص واحدی اساس این را چطور میتوانیم بگوئیم صحیح نیست پس بنظر بنده ضمیمت با اساسی که اظهار میشود آقایان نمایندگان نظرشان معطوف بآن مواد فاسده و مضره آن کتیرات است و بنده با اساس ضمیمت را نمیتوانم تصور بکنم بعلت اینکه بعد از آنکه یک ملکی از خاصه جات دولت بآن شرایط که هست و همه میدانیم بآن شرایط اگر طبقه ای بایک شخصی یا بیک هیئتی برای اینکه طرف بادولت شود یا در استاجاره یا در مزایه بآن عنوان شرعی که همه میدانیم بعضی بیشتر متوجه اند بنده میدانم که هیچکس مخالف با اساس نیست مثل اینست که بنده می خواهم ملک خود را اجازه بدهم حالا اگر اجازه فاسد بدهیم هیچکس نمیتواند بگوید که من در اساس اجازه مخالف هستم یا هیچ راضی نیستم دولت یک کمیانی یا خاصه جات در طهران و یا در سیستان را اجازه بدهد بنده مخالف نیستم و گمان ندارم کسی مخالف باشد پس نظر بنده بر این است که باید مقتضی را موجود دانست و فقط مخالفی در تصویب و تنقیح این کمیانی بنظر می آید و بنده اینجا یادداشت کرده ام که عرض کنم که همان اجازه سابقه است که آنهم به امضاء اولیای دولت است و امضای وزراء اگر احترام دارد و البته محترم است و البته احترامش نسبت سابق و لاحق هر دو یکی است و اینکه یکی از آقایان گفتند که عین السلطنه که یکی از مستأجرین بود و نسبت کرد قیمت مستأجر هیچ اسباب نسخ نمی شود و انگهی غیبی که از روی اضطرار و اضطرار و تهدید و تهدید و باجباری شود در آنوقتیکه روز بیچاره مان مجلس بوده همه میدانند که جانفشانی کرد و نزدیک بود که کشته شود و آخر بیرونش کردند اگر بنا شود که غیبت شخصی را آنهم یک غیبی که نمیتواند اظهار نظرم بکند بیک دولت ظالمانه چاره مستیده خوب حالا که بر گشته است عرض حالش را می کند و به مجلس مقدس هم عرض نظرم داده است و همین مطلب را که بنده عرض میکنم اساساً باین جهت این اجازه را باطل میدانم و الا هیچ علت ندارد اساساً بکمیانی ندهد صحیح است و صلاح دولت هم همین است .

مردم هاشم میرزا - بله ما سلب تسلط

دولت را نخواهیم از املاکش بکنیم که اجازه بدهد یا بندهم و مخالفتی که در کلیات این داریم نظر به این نیست که عین السلطنه غائب یا حاضر بوده است و محاکمه اینهم راجع به مجلس نخواهد بود بنده عرض میکنم که بموجب اصل ۲۲ قانون اساسی که دولت انتقال بدون تصویب مجلس نمیتواند بکند و این انتقال که انتقال منفعت است و اجازه بایستی که با اطلاع مجلس شورای ملی باشد و بنده است و این باطل است و بعد از ترتیب اجازه اش هم حرف داریم بگوئیم این ترتیب اجازه

کاملاً آسایش عامه را تأمین نینکند و عقیده بنده این است که دولت خودش اداره کند و بجز او اجازه بدهد اگر خود آنها معتبر هستند این وجه اجازه را از آن ما بگیرد و اگر محتاج بتمامین یا حامیانی هستند آنها را هم بترتیبی که دولت خودش میدانند اداره کند که دولت بتواند آنطوریکه هم منقش بهتر خواهد بود هم عموم افرادی که در اطراف طهران زندگانی می کنند در کمال آسایش و راحتی بتوانند زندگانی بکنند و اشکالی نخواهد داشت بجهت اینکه اگر بگوئیم دولت باین واسطه به اشکال خواهد افتاد پس باید بگوئیم که دولت از گرفتن سی کرور مالیات هم باید در اشکال بیفتد و حال آنکه اینطور نیست بجهت اینکه همان ترتیبی که اداره میکنند و مالیات پنجقران و یک تومان و دو تومان را از رعیت میگیرد و همانطور با این مستأجرین رفتار خواهد کرد و هیچ اشکالی نخواهد داشت که پنج خوراک رده خوراک جش اجازه را از آنها بگیرد یعنی است که این اشخاصی که با دولت طرف خواهند بود سهل تر و آسان تر است وصول مال الاجاره این املاک از آنها تا مالیاتهای جزیه لهذا بنده مخالف هستم که آقای معاون فرمودند که دولت اجازه نمیکند خیر اداره میکنند عقیده بنده هم اینست که چون موافقت کم است در کلیات اگر رای بگیریم رد خواهد شد اگر هم در مواد وارد خواهد شد اشکالات خود ما را در مواد هم عرض میکنم .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (بعضی اظهار

کردند کافی و بعضی گفتند کافی نیست) رقیس - رای میکنیم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایان بیکه مذاکرات را کافی میدانند نیام نمایند (با کثرت رد شد) .

گاشف - بنده تصور میکنم که از مذاکرات

ابتدا مانع نیستم بجهت اینکه نظر دولت معلوم نیست و آقای وزیر مالیه هم که در هفته قبل اینجا اظهار کردند راجع باعضاء دولت وعدم امکان تغییر فوری تشریف نداشتند تا توضیحات بدهند ولی امضاء دولت را بیک چیز عادی قرار بدهیم بنده هیچ همراه نیستم که دولت این امتیاز را داده است خوب کاری کرده است خیر خوب کاری نکرده است لکن مسئله امضای دولت را هیچ ابداً در نظر نداریم برای اینکه اینکار اگر با امضای وزیر شد از وزیر باید سؤال یا استیضاح کرد و اگر بگویند اطلاع نداشتیم این بگما است که آمده است به مجلس و چندین ماه قبل هم آمد بمجلس آنوقت هم نه سؤال کردند نه استیضاح و دولت هم امضاء کرده بود نمی تواند دولت امضای خودش را پس بگیرد در اینصورت بدون اینکه حضور وزیر باشد اینجا مانی توایم رای بدهیم و راضی در مواد شویم و گفت و گو کنیم بیک نتیجه بگیریم و این داد دولت امضاء کرده است و امضاء او همیشه باید برقرار باشد باینکه میتوان هر ساعتی او را متزلزل کرد بنده خیلی اهمیت میدهم امضای دولت را امضای هر کسی را هر کسی امضاء میکند باید امضای خودش را حفظ کند و دولت امروز مجبور است که چون امضاء داده است امضای خودش را حفظ کند و بیاید برای تعدیل در مواد چون گفته شده است که مواد تعدیل خواهد شد و قتیکه مواد تعدیل شد رای خواهد داد و باید تعدیل شود اینجا بیایند

تمام مواد این کتیرات مخالفم و اصل این کتیرات را مضر می دانم برای دولت و برای اهالی خالصه .

رئیس - بازم اساسی را می خوانیم برای

این که معلوم شود کمی موافق است (اساسی را خواندند تمام مخالف بودند) .

سلیمان میرزا - بنده اساساً با هر کمیانی

که از این قبیل باشد مخالفم اهم از این که شرایطش هر قدر تصور شود مدللانه باشد فرضاً حکومتش را هم حذف کنند یا تعدیاتی دیگری بکنند یا نباشد موما مخالف هستم چرا برای این که محقق است که وقتی که رعیت را مداخله و حق دادند در آن زحمتی که می کشد حاصلی که بر می دارد بهتر دلسوزی می کند و از آن زمین بهتر می تواند حاصل بردارد و بجز به ثابت شده است که جاهانی که خورده مالک هستند در رعایا برای خودشان زحمت می کشند حاصل دست رنج خودشان بخودشان میرسد اینجا بعضی اوقات ۶ برابر هفت برابر از آنجائی که مجاور آنها است مال یک نفر از باینی بوده که رعیت مستأجر او بوده است حاصل می دهند ما تمام نظرها این است که ثروت مملکت ما زیاد شود و مملکت ما بالاخره یک مملکت زراعتی خواهد بود بنابر این هر چه سعی بکنیم که زراعتمان را ترقی بدهیم ثروت مملکتمان را ترقی داده ایم حالا بطور کلی نمی خواهیم در این موضوع گفتگو بکنیم و رعایا را بخواهیم سهم بدهیم آن می کنم که در پهلو طهران و املاک خالصه یک مشت رعایا را بگذاریم زیر فشار و هر روز فریاد های آنها را بشنویم و آنها می داد و فریاد بکشند پس از آنکه بزحمات زیاد یکمشت محصول بدست بیاورند آنرا هم باسم ارباب یا مالک از آنها بگیرند حالا چون اینجا مال دولت است این دو اسم که ارباب و مالک است نمی توانیم بگوئیم کمیانی خالصه فرض میکنم اجازه را هیچکس منکر نیست دولت هم معلوم است که ملک خودش است و می تواند بهر کسی که بخواهد اجازه بدهد اما وقتی این نقل و انتقال صحیح میشود که نمایندگان دولت و مجلس شورای ملی در مال دولت که مال عمومی است رأی بدهند و منافع آنرا هم هر قسم تصویب کنند به صرف برسانند و هر قسم در این رأی بدهند آن صحیح خواهد بود و بنده گمان میکنم که هیچ ضرری نداشته باشد که نمایندگان ملت همانطور که اظهار فرمودند همه این اساس و زحمات از برای این بود که برای ضمناً یک اسباب آسایش فراهم بیاید و الا اغنیاء هیچوقت در زحمت نبودند و از اشخاصی که همیشه با ضمه طرف شده اند آنها همیشه متبولین یا اربابها هم هر چه بوده عموماً صاحب نفوذ ما همیشه بزرگ دستهای خودشان ترمی می کرده اند اگر یک چند نفری اتفاقاً در وسط آنها پیدا می شد که از بابت اخلاق سلیمی که داشتند ترمی نمی کردند آن نادر است این بود که عموماً بضعاً در زنجیر ما ترمی و اجیافات لایتنامی میکردند تمام این اساس و وضع این مجلس برای این شده است که حمایت از این اشخاص بکنیم عقیده بنده بر این است که خوب است این بنه را از زردی که شروع بکنیم

و اضعه این نور راحت و عدالت را از مجاور بارلمان شروع بکنیم تا بجای دیگر متدرجاً برسد و املاک خاصه را بخورده مالک تقسیم بکنند و هیچ ترتیبی هم مخالف نخواهد بود نه عقلاً نه شرعاً نه انصافاً قانوناً این املاک خالصه را باین رعایای بیچاره که در بدو امر همه مال آنها بوده معلوم است که بچه ترتیب خالصه شده است و کبها خورده اند بخورده مالک تقسیم کنند و آنها اجازه بدهند و دولت هم در این هفت فرسخی می تواند خودش اداره کند و اسبابش هم بفریبی شاید فراهم باید و دولت اجازه بدهد به ترتیبی که می داند خالصه را برعایا بدهد و امتحان بکند و ببیند که محصولش از برای سال آینده اجرا خواهد شد برعایای جزء اجازه بدهد بهمان ترتیبی که شاهزاده محمد ششم میرزا فرمودند و بهر قسمی که مالپا نشانرا اداره میکند اجازه شانرا هم اداره واخذ می نماید باین ترتیب عایداتش هم برای دولت ضامف می شود اگر مالیاتش پنجقران است آنوقت مثلا یک تومان و پانزده قران می شود اخذ آنهم خیلی سهل میشود و گویا مغایر جدائی نداشته باشد آن مأموری هم که برای این کار میرود از طرف دولت این را بفریبی می تواند اداره کند

رئیس - بگذردی از موضوع خارج شدید

سلیمان میرزا - بلی باین ترتیب که اجازه دادیم از تعدی کمیانی راحت می شویم و بکنیم از آنهم گرفتار نمی شویم زیرا که یک نفر صاحب گندمی پیدا نخواهد شد که احتکار کند و باهت تنگی آذوقه شهر بشود از برای رعایای که در تهران بین رعایا در فروش گندم خواهد بود با احترازی می شود و به علاوه این اسباب می شود که این یک مشت رعیت بیچاره هم در نزدیکی طهران راحت می شوند و خورده خورده شروع می کنند با بادی ما هم از تنگی آذوقه راحت می شویم و سایر دهاتی ها هم متدرجاً به ترتیب آسوده راحت می شوند

رئیس - مذاکرات را کافی می دانید یا نه

(گفتند کافی است) رقیس - رای میکنیم بدخول در مواد

آقا شیخ ابراهیم - در اصل موضوع

بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض دارم

رئیس - در چه .

حاج شیخ اسدالله - در کلیاتش

رئیس - در کلیاتش بنفاد دیگر صحبت میکنیم

آقا شیخ ابراهیم - چیزی را که ما اینجا

مذاکره می توانیم بکنیم باید آنرا اول مشخص بکنیم بهینهم موضوع مذاکره ما چه چیز است می خواهیم رای بدهیم این صحیح است یا باطل است این دخول در مواد نمی خواهد این که لازم نبود دخول در مواد هم لازم نیست درجه رای باید داد در این مسئله که این باطل بوده است یا صحیح بگفته آن است که کتیراتی پیشهاد کرده اند در باب آینده آن هر وقت آمد در آن مذاکره میکنیم که آیا صحیح است

یا باطل آنوقتیکه آمد مذاکره اش میشود پس اگر رای بگیریم بر این رای می گیریم که این باطل است در چه مورد پس بحقیقت موضوع مذاکره ما این است که این آیا صحیح است یا باطل اگر صحیح است هیچ مذاکره نداریم اگر باطل است باز در مواد مذاکره نداریم .

رئیس - عرض کنم که اینطور نیست در -

نظامنامه داخلی تصریح شده است و قتیکه در یک لایحه مذاکره میشود اول میگویند در کلیات این مذاکره می کنیم بعد از آنکه از مذاکره در کلیات فارغ شدیم رای می گیریم که داخل شویم در شور مواد یعنی آنهاستیکه موافقت که این قانون را وضع کنیم رای می دهند و آنهاستیکه مخالف هستند در وضع آن قانون یعنی آنرا باطل می دانند رای نمی دهند که داخل در مواد شویم حالا رای خواهیم گرفت در دخول بمذاکره مواد آقایان بیکه موافقت که داخل در شور مواد شویم قیام نمایند (اتفاق تام رد شد) .

رئیس آقای حاج امام جمعه چیزی نوشته

بودند در چند روز قبل راجع بماده ششم قانون معارف ولی بنده مایل بودم که خودشان اینجا تشریف داشته باشند توضیحاتی که خواسته می شود بدهند ولی چند جلسه است که تشریف نمی آورند و این مسئله هم قدری اهمیت دارد و خواننده می شود هر طوری آقایان مصلحت دانستند آنطور رفتار می شود (بمبارت ذیل فرات شد) مقام مفید ریاست مجلس محترم شورای ملی شیدانه ارکانه در فقره سیم امر ماده ششم قانون معارف مرقعیکه در کمیسیون مذاکره این فقره بود قرار بود قید اجازه سلطان مصر و دولت در آخر فقره منظور بشود حایه نشده و بدون قید منظور از مجلس محترم شورای ملی و امضای والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه گذشته است چون این فقره بدون قید معروض موافقت با شرع انور ندارد این است تقاضاً می نماید کمیسیون معارف مأمور رسیدگی و تحقیق این مسئله شود تا پس از تحقیق و رسیدگی ماده جدیدی برای رفع معذور از این فقره سیم پیشتهاد مجلس نماینده معین است مجلس شورای ملی همه وقت عدم مخالفت قوانین موضوعه خود را با شرع اقدس بحکم نص قانون رعایت خواهند نمود

رئیس - چون بنده مخیر کمیسیون

معارف هستم اجازه بفرمائید توضیح بدهم

رئیس - چون بنده گمان میکنم در اینگونه

مسائل حرف نزنیم بهتر است فرستیم بکمیسیون

معارف که آنها مذاکره شود (گفتند صحیح است)

رئیس - آقای مشرودی راجع باظهاراتی

که بنده در جلسه قبل کردم ایرادی داشتند ایراد

خودشانرا خواهند کرد

هشش و سی - این را برای اینکه واضح باشد

تاریخش را نوشته ام در جلسه روز چهارم شهر جاری مجلس شورای ملی برای مذاکره یک فقره مطلب لازم بامضای دوازده نفر از نمایندگان محترم تقاضای جلسه خصوصی شده و بریاست مجلس پیشنهاد گردیده که در آخر همان جلسه (این افشاء که در آخر جلسه



بد شده است) بایستی منعقد کرد و آقای رئیس در ختم مجلس این پیشنهاد را برض نمایندگان محترم رساییده ضمناً اظهار داشتند که اگر چه مطابق قانون اساسی دهمفر از نمایندگان می توانند (با فرمودند) وزیر هم می تواند تقاضا کند ولی بنده چون لازم داشتم اینطور نوشتیم) مجلس خصوصی تقاضا کند ولی من چون مجلس خصوصاً را مخالف مشروطیت می دانم لهذا در مجلس خصوصاً در استعفاء از من می توانم بگویم و در این بین چند نفر از نمایندگان کانهم این اظهار آقای رئیس را تحسین کردند کف زبان مجلس را بهم زدند بنده اولاً عرض میکنم مجلس سری راجع با امور مملکتی دو قسم می شود یکی اینکه امور راجع مملکت در مجلس سری مذاکره و به موقع اجراء گذارده شود و بعداً در مجلس علنی اظهار میشود این قسم مجلس سری محققاً مخالف با مشروطیت است و بعضی اینکه امور مذاکره میشود ولی به موقع اجراء گذارده نمیشود مگر اینکه در مجلس علنی مذاکره شده و رای گرفته شود چنانچه در قانون اساسی در اصل ۳۴ تصریح شده عمل شود این قسم مجلس سری مخالف با مشروطیت نیست بلکه ایماناً فلسفه مملکت داری مقتضای چنین مجلس سری میشود و بجز به هم رسیده پس بنده فرمایش جناب رئیس را که در آخر جلسه سابقه می اطلاق این ملی اطلاع را رد میکنم دوم مجلس سری را تا بحال عمل شده و سابقه پیدا نموده است بایستی با عمل شود ولی چون همین اصل بر رئیس مجلس حق داده و معتقد نموده است که مجلس سری را منقذ بکنند - چون نوشته میتوانند - و بکنند لذا باید جناب رئیس در وقت رد کردن مجلس سری بفرمایند که آقایان اعضاء کنندگان تقاضای مجلس خصوصی را لازم دانسته ولی من لازم نمی دانم و بنا اینکه بفرمایند بر فرض از زمین حق دارم که معتقد نیکنم اینکه بفرمایند بطور اطلاق مجلس سری مخالف مشروطیت است و اذهان اهالی مملکت را نسبت بیک اصل صحیح قانون اساسی متزلزل نمایند و بیک اصل از قانون اساسی را باینکه معمول شده است مجری نکنند و سایر آقایان هم تحسین کنند و یا کف زبانه پس بنده اعتراضات خود را با آقایان نمایندگان هم که در این موقع اظهار خوشوقتی نمودند بعد از اظهار تأسف اظهار می نمایم که ثبت آنها را برای حفظ درجات اصول قانون اساسی انتخاب کرد ماند و بایست بدانند که مشروطیت ایران از روی همین قانون اساسی تأمین شده است و اجرای اصول آن فرض ذمه رئیس و فرد فرد نمایندگان محترم است و بنده ختم میکنم نطق خود را به همین نوشته ختم.

**رئیس** - چون این استیضاحی است که آقای هشتروزی از رئیس کرده اند باید رئیس جواب بدهد عرض میکنم که اینجادر این تفسیریکه کرده اند اشتباهی کرده اند و آن طغی که در آنروز کردم گویا او را درست تملق فرموده اند بنده عرض نکردم مجلس سری با مشروطیت ایران مخالف است عرض کردم مجلس خصوصی و سری با مشروطیت منافات ندارد زیرا هر جایی مشروطیتی دارد تمام مشروطیتها یکجور نیست هر مملکتی یکجور مشروطیتی دارد بنده بساز عرض می کنم که مجلس سری را با مشروطیت کامل متناسقی بدانم و هر جا که مشروطیت گرفته شده است برای این

بوده است که تمام مطالب مملکت علناً گفته شود کدر چاره آن بگوشه جدید نمایند اگر بنا باشد بوجه مملکت را بیاورند در مجلس سری یا خصوصی بخوانند و مردم ندانند که عایدات مملکت در کجا و بجه ترتیب و بسا چه اصول تحصیل می شود و بجه مصرف صرف می شود این بدیهی است بیکجور مملکتی که بوجه اش در مجلس سری خوانده می شود مملکت اعتباری نخواهد داشت برای اینکه یکی از خصوصیات و اختصاصات مشروطیت اینست که تمام مطالب در مجلس گفته شود که همه بفرمانند که اختیار آن مملکت زیاد شود آقای هشتروزی بعضی امورات است که راجع با امور مملکتی است و تا رای نگیریم به موقع اجراء گذارده نخواهد شد و بعضی مطالب است که مذاکره می شود و رای گرفته نمیشود این صحیح است چنانچه بعضی مطالب در اینجا شده ولی مردم از کجا میدانند که این قبیل مطالب در مجلس خصوصی گفته می شود راجع بکدام یک از این دو قسم است و آنوقت اذهان مردم میشود و آن اعتباری که شما میخواهید برای مملکت حاصل شود نمی شود پس بنده چیزی برضد قانون اساسی عرض نکردم عرض کردم با مشروطیت مطلق مجلس سری منافات دارد دیگر اینکه اصل ۳۴ قانون اساسی چنانچه فرمودند بنده حق می دهم که آن مجلس سری را که تقاضا میکنید اگر صلاح بدانم منعقد بکنم یا نکنم بنده صلاح ندیدم و منعقد نکردم به این دلایلی که عرض کردم مجلس سری را منافی با مشروطیت میدانم.

**هشتروزی** - توضیح دارم.

**رئیس** - دیگر در این باب مذاکره نمیشود عرض کنم بعضی کمیسیونها منعقد میشود زیرا اوقات خودشان را معین کنند و کمیسیونها را منعقد کنند دیگر اینکه کمیسیون انتخابات درست جلسانش ترتیب نیست و اغلب از آقایان در در جلسه بلکه در سه جلسه بلکه پنج جلسه حاضر نشده اند عیالنا از ذکر اسامی آنها سر نظر می کنیم لکن اگر بعد مغیر کمیسیون اطلاع بدهد که حاضر نمیشوند اسامی ایشانرا مجبور میشویم که در مجلس بخوانیم - آقای میرزا احمد قبل از وقت اجازه خواسته بودند بفرمایند.

**آقای میرزا احمد** - عرض می کنم از بیانات آقای معز الملک که از کمیسیون نظام استعفاء دادند عرض میکنم که بکنفر متخصص در اینکار رده اند و استعفاء داده اند همینقدر اظهار تأسف میکنم و اما راجع بسؤالی که دارم بنده چند وقت قبل از این یعنی ۶ ربیع الثانی از وزیر داخله در باب مقدمات اغتشاش کدر قزوین بنویس که وزیر الله خان جلیل ونده فراهم شده است سؤال کرد تا اکنون حاضر نشده اند از برای آنجواب استعفاء میکنم که اطلاع بدهید حاضر بشوند از برای آنجواب و بیک سؤال از وزارت خارجه از بابت فتوای شیخ الاسلام عثمانی راجع بجواهرات مشاهر مشرفه عتبات نموده اند زودتر حاضر شود که جواب بدهد.

**رئیس** - همان وقتی که سؤال کردید بوزارت خارجه فرستاده شد و در باب سؤال اول بازم تأکید می شود - آقای بهجت راجع بجه مطلب حرف داشتید.

**بهجت** - راجع بکمیسیون انتخابات - رئیس بفرمایند.

**بهجت** - چون بطور اجمال مذاکره شد که بعضی اعضاء کمیسیون انتخابات حاضر نمی شوند بنده از اعضاء کمیسیون انتخابات هم هفته سروز از ابتدای آنوقت که معین شده است حاضر شدم تا حوزة بندی نشود آنوقت جلسات ترتیب خواهد شد اینست که اعضاء کمیسیون هم مسبق هستند باید اخطار بشود بوزارت داخله که حوزها را معین بکنند و الا آن که در نظر اعضاء کمیسیون اگر حاضر نباشد اکثریت که حاضر شد میتواند مذاکره کند و رای بدهد.

**رئیس** - خوب کمیسیون انتخابات مطالبی که دارد روی کافه بیاورد بنده می دهم بنویسند دستور جلسات بعد شنبه ۲۲ (۱) لایحه استقراض (۲) قانون ثبت اسناد دستور سه شنبه ۲۵

(۱) راپورت شعبه پنجم راجع بنمایند کردی (۲) بقیه شور اول در قانون پستی (۳) راپورت کمیسیون بودجه راجع بوزنه دکتر مولد - پنجشنبه ۲۷ -

(۱) شور دوم در قانون استخدام (۲) بقیه شور اول در قانون پستی - دو ققره تقاضا شده است یکی از ادیب انبجار و یکی هم از حاجی شیخ اسدالله که چند نفر هم امضاء کرده اند ادیب التجار تقاضا کرده است که لوابی که باید به نجف اشرف فرستاده شود جز دستور سه شنبه ۲۵ گذاشته شود حاج شیخ اسدالله تقاضا کرده است راپورت کمیسیون بودجه راجع با متاد سیم از عراق بخوناسار جزو دستور پنجشنبه ۲۷ گفته شود - چون عده کافی نیست نمی توانیم رای بگیریم.

**هشتروزی** - بنده هم در کمیسیون انتخابات مستم که در کمیسیون عدلیه خود طوری شده است که اوقات انعقاد جلسانش در یکوقت شده است از اینجهت بنده از کمیسیون عدلیه استعفاء میدهم بلکه در کمیسیون انتخابات کاری بکنم.

**رئیس** - حالاکه اوقات کمیسیونها معین نشده است بهتر اینست که تأمل کنید و سائل کمیسیونها اوقات انعقاد کمیسیونها را معین بکنند آنوقت اگر منافات داشت وقت انعقاد این دو کمیسیون استعفاء کنید مجلس یکساعت از شب ختم شد.

**جلسه ۲۳۸**  
**صورت مشروح روز شنبه ۲۳ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۰**  
مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مومنین الملک منعقد و سه ساعت قبل از غروب رسماً تشکیل شد.

آقای معاضد الملک صورت مجلس قبل از قرائت کرد اسامی غایبین جلسه قبل: شریب فوسل قرائت شد.

آقایان حاج وکیل الراحا - اسدالله خان - دهخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - حاج امام جمعه بدون اجازه.

آقایان معین التجار - حاج شیخ علی خراسانی با اجازه غایب بودند و آقایان آقا میرزا ابراهیم قمی - دکتر حاج رضا خان نیم ساعت و حاج آقا بهد از موقع مقرر حاضر شدند.

**حاج امام جمعه** - بطوریکه مسبقاً عرض هم کرده بودم بنده ناخوش بودم و پروردگار نیامده بودم بواسطه ناخوشی بودم.

**رئیس** - عرض کردم این راجع بانذاره باشرت

است و آنوقت هم که اجازه خواسته بودید برای دو جلسه بود.

**شاهزاده لسان الحکماء** - بنده در جلسه گذشته در قانون استخدام اعتراض در آخر ماده ۱۴ بود که بکلی بیجا است بجهت اینکه نوشته از قدر اکثری که معین کرده نباید اضافه مقرری تجاوز بکنند.

**رئیس** - بفرمایند نوشته نشده است.

**لسان الحکماء** - بله نوشته نشده است.

**رئیس** - اصلاح میشود اعتراض دیگری بصورت مجلس نیست.

**بهجت** - در باب کمیسیون نظام نامه انتخابات آنشب بنده تصریح کردم که بواسطه حوزة بندی که در وزارت داخله باید ترتیب شود و هنوز نرسیده است چون در صورت مجلس نوشته شده بواسطه بعضی موانع خواستم عرض کنم فقط مانع همان حوزة بندی است که در وزارت داخله باید بشود.

**رئیس** - آقای حاج سید ابراهیم مشغولی بز آقای رئیس الوزراء در باب استرداد اموال اهالی لار از سران قوام داشتید بفرمایند.

**حاج سید ابراهیم** - خاطر نمایندگان محترم بلکه همه مردم از این مسئله مسبقاً است که مقارن فتح طهران سران قوام یک حمله بلار بردند و یک قتل و غارتی دلار کردند بقیه خودشان که اظهار میکنند بیچاره کرور لکن قریب دوسه کرور بوده است که اموال اهالی لارا بردند و بعد از آنکه دولت عفو عمومی داد آنها هم در شیراز بودند و قریب هشت نه ماه تلگراف کردند تهران در کابینه اول که کابینه همین آقای سید ابراهیم بود که دولت حالا که عفو عمومی داده است نسبت باموال مردم که عفو عمومی نداده و نمیتواند بدهد و تلگرافات آنها بواسطه بعضی ترتیبات یا ملاحظاتی پیشرفت نکرد و همینطور ماند تا این ایام که حکومت آنها بقبال از اهالی تلگرافات کرده اند و در تلگرافاتشان معلوم میشود که علت فساد فارس را از آنها میدانند و حکومت آنها را توقیف کرده است مجدداً اهالی لار تلگرافات نظم میکنند و استعفا می کنند که دولت حکم کند که اموال آنها را مسترد بدارند و علاوه بر این از قرائی که ششید ام و تلگرافات رسیده است ورنه مرحوم آقا شیخ محمد باقر ورنه مرحوم سید احمد نظام می کنند و استعفا می قاص قائل را میخوانند و عرض میکنند که دولت مقصرین یکتیکی از حیث تقصیرات سیاسی را میتواند عفو کند اما قائل را که نمیتواند عفو کند و نمیتواند نصاب شخصی را ببخشد بنده میخواستم از رئیس الوزراء سؤال کنم که دو خصوص مجازات آنها از حیث قائل بودنشان و در باب استرداد اموال اهالی لار که بغایت برده اند و شاید در آن کابینه و این کابینه هزار تلگراف از آنها رسیده است چه قراری داده اند بفرمایند.

**رئیس الوزراء** - در باب پسرهای قوام که قوام الملک حالیه و نصرالله باشند اینها قبل از دولت جدید هم بطوریکه آقا میفرمایند مأمور شده بودند طرف لار و آنجاها بعضی تمذیبات میکنند

و بعد از فتح تهران و تشکیل دولت جدید تلگرافات کردم حتی آن سید عبدالحسین لاری که بعضی حرکاتی هم از او ناشی شده بود او را هم آوردند شیراز توقیف کردند آنوقت هم دولت عفو عمومی داد و قوام الملک حکومت کرمان گرفت و رفت بکرمان دیگر مطالبه اینکه این حکامی که رفته اند اینکه عرض حالی از اهالی لار بشود یا اینکه در مطالبه حقوقشان باشند نروده است نه بدولت گفتند نه اینکه حکام توانستند از عهده برآیند تا حالا که نظام السلطنه رفتند اول مهربانی کردند با آنها و بعد از هفت و هشت روز بدون اجازه دولت فقط تلگرافی به ما کردند که چون اینها خیال شورش و بعضی اغتشاشات نسبت بشیراز داشتند من آنها را توقیف کردم و حبس کردم در این باب در کابینه وزراء با حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه مذاکره شد و حضرات سردارهای بختیاری بخصوص آقای سردار اسد آمدند و شکایت کردند که حکومت علی رقم ما بدشمنی ما این کار را کرده اند.

**رئیس** - این خارج از جواب و سؤال است جواب سؤال را بفرمایند.

**رئیس الوزراء** - جواب سؤال را عرض میکنم که هیئت دولت کسی مخصوصاً از طرف اهالی لار صاحبان اموال عرض حال نکرده است که اموال دارد کنید اما نظام السلطنه شکایت میکنند که اینها میخواهند یازده اغتشاشات کنند لکن بدیهی است اگر اینها بی اعتدالی کرده اند باید مجازات شوند پس از آنکه مردم شکایت کردند و ثابت کردند که اموال آنها را برده اند معلوم است هیئت دولت هم باید رسیدگی کند اگر فی العقیقه بی اعتدالی کرده اند مجازات شوند و اموالی که برده اند بگیرد مسترد بدارد ولی میخواستم عرض بکنم که اینطور شده است بما اطلاع نداده بود فلذا بعد اطلاع داد و ما حکومت نوشیم که این در اختیار شماست هر طوریکه صلاح میدانید همانجا از آنها مواخذة شود و احقاق حق مردم بشود یا اگر میخواهید تمهید کنید آنها را بیک جانی اختیار با خودتان است تفصیل این است.

**حاجی سید ابراهیم** - بلی عرض کردم تلگرافات بی خبری در این باب شده بود تلگرافات لاحق هم آمده است هر گاه بخواهید ارائه بدهم باید دولت در این باب ترتیبی بدهد تمهید آنها کفایت از حقوق مردم نمی کند مقصود بنده این است که حالا گرفته شده اند استرداد اموال و احقاق حق مردم بشود.

**رئیس الوزراء** - بلی صاحبان اموال خودشان باید شخصاً نظام بکنند البته دولت هم بترتیب احقاق حق آنها را بنماید.

**رئیس** - آقای مستمذ التجار سؤال داشتید از وزیر امور خارجه راجع بقبرستانی که در سواد تبریز تصاحب کرده اند.

**مستمذ التجار** - بلی از قرائی که انجمن ابالتی آذربایجان تلگراف کرده است بقطعه زمین قبرستانی را روسها تصرف کرده اند و میخواهند در آن بنام نمایند و این تولد یک هیجانی در اهالی کرده

است که بقطعه زمین قبرستان آنها را بطور غیر مشروع بدست آورده اند میخواهم بدانم که وزارت امور خارجه در این باب چه کرده اند که رفع هیجان اهالی بشود.

**وزیر امور خارجه** - دو امر اخیر تیریز یک قطعه زمین نزدیک قبرستانی واقع شده بوده است که بر حسب اظهاراتیکه کرده اند دست مشیرالعلماء بوده و بواسطه شخص ثالثی او را خریداری کرده اند برای اداره راه و از سفارت روس هم باینجا اظهار شد و بنده هم بترتیب تلگراف کردم و تحقیق کردم این طور جواب رسید که این زمین همین طور است و همه میگویند یعنی اهل آن محله که این جا قبرستان بوده است بنا مشخصاً در این باب با وزیر مختار مذاکره کردم و قرار شد که هم در این باب با یالت و هم وزیر مختار بوزنرال قونسول خودشان تلگراف بکنیم که در این باب با اتفاق تحقیقات بشود اگر فی الواقع قبرستان است که معلوم است مشروع نیست و البته آنها هم راضی نخواهند شد که در آنها بنائی بشود و واگذار می شود و البته آنکسبکه زمین را فروخته است و آنها تیکه بانی اینکار بوده اند البته باید از عهد خسارتیکه وارد آورده اند و بنای مغتصری که گویا بنا کرده اند برآیند و اگر زمین بطوریکه خودشان می گویند زمین بیاض بوده است و خارج از قبرستان است و چون فیمه کم بوده است حالا خودشان می خواهند ببرند آن را هم اقداماتی بکنند که منجر باینجا هم نشود طرفین آن تمهیدات را بآنجا داده ایم که طرفین این اقدامات را بکنند و منتظریم که از طرف آقای معز الملک اقدامات و ختم این عمل برسد.

**رئیس** - دستور امروز لایحه استقراضیه و ثبت اسناد است شروع می کنیم بلاجه استقراضیه برای اینکه مذاکرات در این خصوص بطور صحیح بشود بنده باید عرض کنم با آقایان خواهر آقا بانرا مسبقاً کنم که وزاری سابق در ۲۹ ذیحجه لایحه راجع با استقراض را ب مجلس تقدیم کردند و این را قواین مایه در ۱۴ سفر بتهنیه این فرض را بودی نوشته اند که قرائت میشود کابینه حالیه در ۱۵ ربیع الثانی هم لایحه دیگر پیشنهاد کرده اند ب مجلس یکی راجع بترتیب این قرض یکی راجع بمخارج آن حالا برای این که بتوانیم بطور صحیح مذاکره بکنیم رای بگیریم بنده می خواهم قبل از وقت تکلیف خود را بدانم که آیا آن لایحه راجعه با استقراض مقوم باشد یا این لایحه که راجع بمخارج است عقیده بنده اینست که چون استقراض نتیجه خرج است از این جهت اول باید آن لایحه که راجع بمخارج است از آنکه لایحه تصویب شد آنوقت شروع می کنیم بلاجه استقراض حالا اگر در مجلس مخالفی هست اظهار کنند و بعد رای بگیریم اگر مخالفی نیست بهین ترتیب شروع کنیم - مخالف هست.

**آقا شیخ علی شیرازی** - بله بنده مخالفم بنده عرض می کنم که اول باید مذاکره استقراض بشود که استقراض را لازمی دانم.







بطوریکه آقای وحیدالملک فرمودند راجع است بسال گذشته و لکن فرمایشاتشان را قبول نمیکنم که مخارج باقیمانده سال گذشته را هیچوقت نمیتوان در بودجه آتی آورد و خاطر شایسته آنرا که میگویم آنچیزیکه در بنگاه از قانون محاسبات عمومی که از مجلس گذشت نوشته شده بود که مخارجیکه تا آخر سنه مالیه موقع خرج پیدا نکردند است از بودجه برگشت خواهد کرد و مخارجیکه موقع خرج پیدا کرده است ولی در موقع معینه حواله تشخیص داده نشده است پس از برگشت از بودجه دوره عمل منقضیه جزء بودجه دوره عمل بعد شده حواله داده میشود مثلاً ملاحظه بفرمائید همین حساب سفره که در اینجا نوشته شده است سفره یکمقرری داشته اند که از چند سال پیش داده نشده است و این عقب افتاده را هر وقت دولت بخواهد بدهد باید داخل بودجه بشود و حالا چون بودجه های پیش تمام شده است امسال که اول سال تنگوزیل است دولت باید یک ترتیبی بدهد و یکوجهی را تخصیص کند که از بابت حقوق عقب افتاده سفره داده شود و قهر آن بودجه مخارج امسال اضافه میشود هیچوقت حساب گذشته را بعنوان همانسال نیاروند بگویند این بودجه توشقان نیل است اینها هم که نوکر دولت بودند و از طرف دولت برای یک کاری مأموریت داشتند باید حقوق هم داده شود حالا این حقوق یا فوق دیگر با آن عرض ندارم اساساً عرض میکنم که مخارج سنه گذشته ممکن است که در بودجه سنه آتی نوشته شود آنچه در باب تقشیر اظهار فرمودند تقشیر دو حالت دارد حالت اول اینست که در ضمن عمل تقشیر میشود صورت دیگرش اینست که بعد از ختم عمل تقشیر بشود قبل از عمل هیچوقت نمیشود تقشیر کرد تقشیر هم حالا یک ترتیب علیحده دارد که باید یک نظامنامه برای او بنویسند که هر وقت از وزارتخانه یک تقشیر میرود پیشاً و بصیر باشد و بدانند چه تقشیر باید بکنند ولی تقشیر عمده اش در آخر میشود یعنی آن تقشیر است که بعد از گذشتن دوره عمل دیوان محاسبات باید بعمل بیآورد و با آن ترتیبکه معین شده است صورت آنرا محاسبات بدهد حالا یک ترتیبی نباید بشود شده است آیا اگر یک نقص و یک تقصوری در سابق کرده ایم باید همانطور بحال خودش بگذاریم و هیچ اقدامی نکنیم ما امروز کار را که شروع بکنیم لابد از پیشینک نواقصی از آن خواهد بود میفرمائید سید محمد و چه هزار تومان خرج شده است حالا فرض کنیم که بدون تقشیر بوده است ولی حالا باید بدانیم چه شده است آن خرجهایی که شده است آیا صحیح بوده است یا خیر نه اینکه چون گذشته است دیگر داخل تقشیر آن نشویم بلکه اهمیت این تقشیر بیش از اهمیت آن تقشیری است که در پیشین عمل میشود و در خصوص نقاطی که معین شده است هیئت وزراء سابق آمدند در کمیسیون مذاکره کردند و از برای نقاطیکه اغتشاش آنها اسباب اغتشاش بعضی نقاط دیگر میدانستند تقسیماتی کردند برای فرستادن قوه نظامی آن نقاط ولی معلوم است که کلیه قوای نظامی منحصراً این چند نقطه نمیشود و آنچه در بودجه معین کرده اند تقریباً نوبت ۳۷ یا ۴۰ هزار قشون معین شده است از برای تمام نقاط ایران اینکه اینجا معین شده است برای اینست که چون بعضی از نقاط مالیاتش بطوریکه میدانند در سال

گذشته کاملاً وصول نشده است و امسال هم احتمال این بود که مثل سال گذشته بشود دولت اگر میخواست که با بودجی همان عایدات معموله رفتار بکنند شاید موفق با امنیت آن نقاط نمیشد این بود که مجبور شدند یک اعتبار فوق العاده بخواهند از برای اقدام باینکار و معلوم است که اهمیت این نقاط یک حسن اثری هم در سایر نقاط خواهد کرد و در جاهای دیگر مستحاج باین اقدام نباشد و تخمین این قوه را باینتره هزار و شصده و بیست و هشت نفر معین نموده اند باین نیست که بعد از اینکه این قشون مرتب شد و در این نقاط امنیت برقرار شد و کمک کرد در انتظام این محلها و بوصول عایدات دومرتبه آنرا برگرداند بفرزانه و اینترام عرض میکنم که تصور نکنند که این مقدمه تقشیر برای همین سه چهارم کرور است اینطور نیست فرض بفرمائید دولت الان فریب نیست با بیست و پنج کرور عایدات دارد و این پنج کرور هم که اضافه شد وسیع کرور اگر تمام خودمان صرف به تقشیر این پنج کرور بکنیم هیچ فایده نخواهد داشت بلکه این مقدمه تأسیس یک اداره تقشیر است در آتی که در تمام این عایدات یک تقشیر بکنیم و بیست و پنج کرور عایدات بطور صحیح در اوراق حاضر است و مطمئن باشیم که حقوق آنها بطور کافی و مرتب خواهد رسید پس ما باید سعی کنیم این کار دنباله پیدا بکنند و اوجه خواهد بود او اینست که تقشیر بکنیم در کلیه حقوق آتی و عایدات دولتی و وجوهاتی که از برای قشون تخصیص میشود والا اگر بخواهیم منحصراً باین وجه فرض بفرمائید یکسال شش ماه از این محل دادند بعد عقب افتاده آن زمان با همین وضع مالیه را خواهد داشت پس ترتیب کلی از کجا حاصل خواهد شد از همین تقشیر در آتی بعمل خواهد آمد سایر نظریات را هم که فرمودند کمیسیون آنها را از نظر پنداختن مثلا ابتدا آقایان وزراء اظهاراتشان این بود که از این پول یک کرور آن برای حقوق عقب افتاده قشون تخصیص شود نظریات دیگری هم بود که شاید در موقع خودش مذاکره شود و آن نظریات هم یک قدری اساسی بود ولی کمیسیون چون امروزه برقرار کردن یک قوه نظامی را در نقاط لازم میدانست این بود که سه کرور و برای مصارف قشونی فرار داد باقی تقسیمات هم بطوریکه ملاحظه فرمودید نوشته شده است و باقی که فریب دو بیست هزار تومان است از برای حقوق پس افتاده قشون است آنهم با شرایطیکه بعد از این خواهد آمد بموجب نظامنامه معین خواهد گردید و بنظر مجلس میرسد داده شود و هر قدر طلب کار شوند از بقایای سنه آتی بپردازند باقی دیگرش هم که ملاحظه فرمائید راجع بمخارج آتی است مثلا دو بیست و بیست هزار تومان که برای خرید اسلحه باید داده شود یا سه کرور که عرض کردم که برای قشون تخصیص شده است تمام این چیزهایی که عرض کردم چیزهاییست که باید در آتی مصرف شود فقط چیزیکه بمصرف رسیده است همان حقوق عقب افتاده قشون است که در موقع اعزام قشون بفراس و بعضی موارد دیگر که صورت آنرا دادند مصرف شده است و باقیی داده شود ولی آنچه که

(۷) تنه وجه استقراض برای پرداخت قسمتی از حقوق عقب افتاده سنه این قشون وامینه و نظمی تخصیص می شود که پس از تقشیر و اطمینان از عدم حقوق آنان از مبلغ زبور که فریب دو بیست و پنجاه هزار تومان می شود قسمتی از آنرا داده و تنه را از بابت بقایای معنی وصول کرده بپردازند .

**رئیس** - چون ماده اول متضمن شش فقره مطلب است یکی یکی مذاکره میشود اول شروع می کنیم بقره اول آقای منتصر السلطان مخالفید .

**منتصر السلطان** - وقتی که بخواهند این خرج را از محل استقراض بکنند البته مخالفم .

**رئیس** - پس بفرمائید .

**منتصر السلطان** - در بابت تأدیبه قرض بانک چو این فرض را دولت ثابت کرده است و البته وقتی که ما بخواهیم اینرا از محل یک قرض جدیدی تأدیبه بکنیم نظریات مافوق خواهد آمد که آیا بایستی ما این فرض را بکنیم و از این فرض جدید این فرض ثابت را بپردازیم یا نه اینرا هم مقدمه اجاره می فرمائید عرض بکنم که چون کار این استقراض خیلی اهمیت دارد حویست آقایان نمایندگان بانک خونسردی و بایک هم حرارت مذاکره در آن بفرمائید و درست دست بکنند تا اینکه بتوانیم بقوی در آن مذاکره بکنیم ما با هم صحبت شخصی نداریم بلکه دسته عقیده شان اینست که این فرض باین دلیل صحیح است یک دست دیگر عقیده شان اینست که صحیح نیست پس در خصوص این استقراض که می شود ما اگر بخواهیم قرض بانک را بپردازیم چون دولت اینرا قرار گذاشته است که اصلاً و فرماً از محل عایدات کرور جنوب بپردازد باید ببینیم که چه مارا وادار کرده است که باز حتمت قرض جدیدی نموده بپردازیم بنده تصور میکنم که با این ترتیب آن مقصودی را که می خواهیم بدست نیایم بلکه یک خسارت بزرگ بر مملکت و ملت وارد خواهیم کرد و بنده بآن دلایل کلی که دارم نمی توانم داخل این استقراض بشوم و نمی توانیم تصویب بکنیم که محل این قرض کوچک بانک را از این وجه استقراض بپردازیم .

**معرزالملک** - بنده تصور می کنم که حقیقاً نمیشود باین ماده هیچ مخالفتی کرد بجهت اینکه ما یک قرضی داریم که با تنزیل صدی هفت آن را نزل می دادیم حالا آمده ایم با وجهی زیادتر و همان محل سابق صدی پنجاه تبدیل کرده ایم و یک پولی در این مورد بیکه دولت خیلی محتاج بیول است نداشته باشیم دولت نمی تواند امور خودش را براه بیندازد بدست ما بیاید و آن فرض را هم که بیانک انگلیس داریم آنرا هم می پردازیم در اینصورت تصور نمی کنم که مخالفتی در این خصوص باشد .

**منتصر السلطان** - چون در فرایض بنده سوء تفاهمی شده است اجازه بفرمائید توضیح کنم **رئیس** - بفرمائید .

**منتصر السلطان** - بنده عرض کردم فرضی

را که در صدی هفت فرع می دادیم بیانک امروز که از هر ۵ - ۱۰٪ نزل از قرض جدید کسر می کنند و هر هشتاد هفت و نیم ۵ فرع می دهیم در حقیقت صدی هفت می شود اگر دقت بفرمائید این مسئله را خواهید دید که صدی پنج فرع ۵ - ۱۰٪ نزل خیلی فرق دارد با قرض بابت سابق بانک **رئیس** - بنده تذکره توضیح دادید کافی است از برای رفع سوء تفاهم .

**محمد هاشم میرزا** - آقای معرزالملک گویا فراموش کرده است که در مدت این استقراض حرف است که می خواهند تبدیل بکنند این فرض ۱۵ ساله را بقرض ۴۵ ساله عقیده بنده این است که آن ماده مذاکره ندارد فرض سابق است علی ای حال بایستی تأدیبه شود ولی در باقی مواد باید مذاکره بشود که اولاً این مخارج را لازم داریم یا این که لازم نداریم بعد از آنکه لازم داشتیم آنوقت باید ببینیم که راه چهارم برای آنها داریم یا اینکه راه چهارم نداریم آنوقت این فرض را تصویب بکنیم پس باید اولاً مصارف را بخواهیم بیاروند و ببینیم در صورتی که آن مخارج را لازم داریم ببینیم می توانیم آنها را از بودجه دیگری حالا داریم بدهیم یا اینکه نمی توانیم بدهیم آنوقت در لزوم این استقراض مذاکره بکنیم والا این ترتیب کدام می کند که ترتیب صحیحی باشد .

**وزیر مالیه** - اینجا آقای محمد هاشم میرزا اظهار کردند که چرا یک فرضی را که ثابت شده است در مدت ۱۵ سال بدهیم تغییر می دهند به ۴۷ سال خوبت متوجه آن یک ماده باشند که در کثرت نوشته شده است که بعد از پنج سال دولت آزاد خواهد بود که هر وقت بخواهد حق دارد این فرض را بپردازد لازم نیست که تا چهل و هفت سال منتظر باشد .

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا مخالف هستید .

**سلیمان میرزا** - بنده در کمال اینها مخالف هستم و عرض می کنم که تا صورت جزه نباشد ما نمی توانیم در آنرا رأی بدهیم این فرض بانک هم همین طور است لابد یک صورتی دارد آن صورت باید که ما ببینیم تا این که بتوانیم در این خصوص رأی خودمان را بدهیم .

**وزیر مالیه** - این که صورت می خواهند در کمیسیون همان وقتی که این مطلب پیشنهاد شد صورتش را آورده اند و داده اند و ثانیا مطابق این کثرت و صورتیکه الان هست مقروض بانک مستقیم دیگر در این باب چه صورتی می خواهند اینقرار دادی است که از سابق ما بین دولت ایران و بانک شده است و ما موافقت کرده است مقروض است دیگر چه صورتی لازم است داده شود در زمان مرحوم صنایع الدوله هم صورتش را آورده اند .

**منتصر السلطان** - بنده خواستم باز تکرار کنم که علت مخالفت بنده این بود که این صحیح است که وقتی که ما ملاحظه بکنیم می بینیم که بعد از پنج

سال دولت حق دارد که این قرض را بپردازد ولی ما همیشه باید در یک کاری که اقدام می کنیم از استقراض صرفه دولت را منظور داشته باشیم وقتی که ما یک پولی را صدی دوازده و نیم کم میکنیم بعضی در صدی هشتاد و هفت تومان و نیم بگیریم و این هشتاد و هفت تومان و نیم را که فرغ بیندیم تقریباً نزدیک به صدی هفت برای ما تمام میشود و آن صدی دوازده از جیب ملت و دولت گرفته است پس ما فلسفه باید یک نظری داشته باشیم که یک بهره برای ملت و دولت حاصل کرده باشیم یعنی اگر صلاح دانستیم فرض کلی بنشینیم که کلیه استقراض دولت ایران را تأدیبه کنیم و یک راه آهنی هم بکشیم در مملکت والا در اینکه نزل و تنزیل بدهیم و یک فرض ثابت را که ۷۰٪ بوده است آنرا از وجه قرض کوچکی که در واقع صدی هفت جهت ما تمام می شود بدهیم فایده برای ما ندارد .

**فهریم الملک** - بنده عرض می کنم که ما به بین شکل هم آن مراعاتی را که باید از حال ملت و مملکتی بعمل بیاریم آورده ایم و این شکل استقراض هم مخصوص باینجا نیست و اول وجه هم نیست که اینترکه استقراض می شود استقراض دولتی دو چیز دارد که اگر آن نباشد هیچ دولتی نمی تواند فرض بکنند اشخاص مترقه و مردم بازار خیلی استقراض برایشان بهتر است یکی اینکه تنزیل زیاد است و یکی اینکه تأدیبه اش آسان است بعبارت واضحتر عرض کنم اگر بنده یک قرض کردم و در تأدیبه تصور بشمار ممکن است طلبکار بنده را بعد از یک طلب کند و طلب خود را از بنده بگیرد ولی در قروض که بین دولت می شود یک شکل دیگری دارد آنچیزی که مردم را وادار می کند که مایل باشند یکی نزولی است که برای سهام فرار می گذارند مثلا شخصی هشتاد و پنج تومان یا نود تومان می دهد و یک سهم صد تومانی می خورد و مقدار آن بسته است تفاوت تنزیل که هر چه کمتر باشد نزل زیادتر است مثلا صدی دوازده تا برسد بیانزده و یکی هم راجع بدست است که تا یک مدتی مطمئن هستند که یک وجهی دریافت می دارند و این را هم که ملاحظه میفرمائید قروض است که از چند سال قبل یعنی از زمان مظفّرالدین شاه و محمد علی میرزا شده است و در آوقت از صدی دوازده یا بیشتر تنزیل می دادند حالا ملاحظه می فرمائید تنزیل صدی دوازده را با صدی هفت و بیست و یکم کدام ضررش بیشتر است علاوه بر این هزار تومان داده شود آن قرض را پانزده ساله یا تنزیل صدی هفت مستهلك میکنند و حالا می خواهند ۵ - ۱۰٪ آنرا نزل بکنند و با این ترتیب چیزیکه سالیانه خواهند داد از برای استهلاك این قرض بیش از آنچه که سابق می دادند نخواهد بود علاوه یک مبلغیکه پنج کرور است میماند برای کار های فوری لازم دولت این دوسره منظور است و وثیقه هم که از برای این قرض می دهند هیچ چیزی نیست مگر همان وثیقه که از برای قرض سابق بوده است پس در این صورت تصور می کنم که مجلس ملاحظه حال ملت و مملکتی را در این فرض کرده



است و بعد از پنج سال هم اگر بخواهیم به هم دستمان باز است و می توانیم تمام این قرض را بدهیم. رئیس - چون اسامی آقایانیکه اجازه خواسته اند زیاد است بنده مجبورم در هر مرتبه برای کافی بودن مذاکرات رای بگیری آقایانیکه مذاکرات را در این قمره کافی می دانند قیام نمایند [ اغلب قیام کردند ] با اکثریت (۳۶) رای تصویب شد از قمره دوم مذاکره می شود قمره دوم فرائض شد.

**محمد شاه میرزا** - چون این ماده یک ماده است که اگر نوضیحاتی داده نشود شاید هر نقطه از این نقطاتی که نوشته شده است قشون با آنها احترام بشود اگر یک جزئی اتفاقی در آنجا بیفتد تصور بکنند که یک یا چند نماینده آنها نخواستند که اردو با آنها فرستاده شود لهذا عرض می کنم که مطلق گفتن قایده ندارد البته هر کسی که بگوید یارک - باغ - درشکه - کالسکه می خواهی خواهد گفت می خواهم ولی اگر بگویند می خواهم قرض بکنم و اینها را بخرم شاید رضی نشود لهذا عرض می کنم که از اینکه اینجا نوشته شده است در باب مخارج که این مبلغ از بودجه تنگنویزین کسر خواهد شد معلوم می شود که این سه کرور معادل دارد و یک چیز فوق العاده نیست منتهی باید از محل دریافت بکنند و بمجلس بفرستند و حالا هم یک ماده است که از سال گذشته است در این قشون هم که فوراً بمرتبه فرستاده نخواهد شد و اگر هم فرضاً یک تفاوت فوق العاده داشته باشد و اگر ارجاع بشود بکمیسیون بودجه ممکن است یک معنی از برای آن پیدا بکنند بجهت اینکه می بینند بودجه دخل و خرجی که آورده اند یک مرتبه در زمان وثوق الدوله ۳۷ کرور خرج آورده و ۲۴ کرور دخل و یک مرتبه ۲۶ کرور خرج که در زمان مرحوم صبیح الدوله بود پس معلوم می شود که در موضوع دخل و خرج نظر تحقیقی شده است و گمان می کنم که اگر نظر تحقیقی بکنند بشود که از یک معنی با اندک تفاوتی از محل قشون سابق و بعضی چیزها بیکه تازه پیدا شده است برسانیم و محتاج نباشیم باینکه از این مسئله کسر در برابر این ابتکار تخصیص بکنیم باینجهت بنده این ماده را باین ترتیب تصویب نمی کنم.

**وزیر مالیه** - اولاً آقای محمد شاه میرزا بطوریکه بیان کردند معلوم می شود که کسر داریم منتهی یک وقتی کسر را زیادی آورده اند یک وقتی کم پس در اینکه کسر داریم شک و شبهه نیست و این که می فرمایند که حالا که یک ماه از سال گذشته است شاید بتوانیم از محل این بودجه را وصول کنیم و بپردازیم لازم است عرض کنم که شاید نباشد اقدام کرد خصوصاً که تجربه شما نشان میدهد پارسال چه شده که نتوانستید این قرضه را بپردازید و علاوه بر اینکه کسر بودجه داشتید مبلغ زیادی از مالیاتهای شما لاوصول مانده است فقط از قرضه شصدهزار تومان لاوصول دارید حالا خراسان چقدر آذربایجان چقدر باشد بجای خود مثلا آذربایجان در سال شصده و کسری میبایستی به مرکز بدهد بنده پارسال چه داده است بلکه

از مرکز یک چیزی رفته است از برای پاره مخارجات فوق العاده می شما نمی توانید امروز مطمئن باشید که از محل وصول بکنید و بپردازید اگر لایحه ای را که سابقاً با اینجانبینشهاد کرده اند بمطالعه بفرمایید ببینید ۲۵ کرور که پیشنهاد کردند بودجه عایدات شمارا سیزده کرور مالیات شما است که از محل نقدی و جنسی است باقی دیگر از محل گمرکات و تذکره و ضرابخانه و این قبیل محلهاست آنچه از بابت تذکره و گمرکات است که خارج معنی ندارد پس چیزی که موافق از برای مصارف قشونی شما در واقع همان (۱۴) کرور است که از بابت نقدی و جنسی باید وصول بشود و اینم خیلی جای تأسف است که محل حقوق قشون یک معنی باشد که همیشه قشون لازم داشته باشد و بدون قشون نشود وصول کرد و اگر شما این پول را برای این قشون خرج نکنید هیچ نخواهد توانست مالیات این سال تنگنویزین را دم بطرد صحیح وصول کنید و بقشون بدهید ولی اگر این را خرج بکنید و خوب هم خرج بشود یعنی بهمان ترتیبی که آقای مخیر توضیح دادند بمصرف برسد میتواند مالیات تنگنویزین بلکه بقایای بیت ثل را هم وصول بکنید که جای این استقرض را بگذرد و سال آینده همین طور یک وجهی در بانک حاضر داشته باشند والا اگر این خرج نشود سال آتی ثل که از این رفته است هیچ خیلی از مالیات تنگنویزین هم از این خواهد رفت.

**معاضد الملک** بنده فقط با این تخصیص که هیئت وزرا در خصوص بمصرف رسانیدن این مبلغ در این ولایات معینه و احترام قشون فقط به این قشاط مخالف دلیل اینکه این استقرض سرشکن بشود اهالی این مملکت خواهد شد و در مصارف آن ما نمی توانیم اختصاص بدهیم یعنی از ولایات و بعضی از ولایات دیگر که همین معاینه و نظری که در اینجا ما هم هست مثل نا امنی و لاوصول ماندن مالیات از این قایده محروم بکنیم و این مبلغ را کاملاً تخصیص بدهیم باین ولایات مثلا یکی از آن غلبه آقای وزیر مالیه بیان فرمودند این بود که بقایای سه ماضیه را بایک پولی باین قشون حاضر بدهیم و حقوق آنها را نیز بپردازیم نمیتوانیم وصول بکنیم همین علت را بنده در کرمانشاهان می بینم که باین قشون حاضر خودش که اسمی است بدون رسم تقریباً چهل و پنجاه هزار تومان از مالیات سه ماضیه وصول شده و بقیه در محل هیئت و دولت تیک قشونی در آنجا نداشته باشد که من بهام حقوق آنها را بدهم نمیتواند بقایای سه ماضیه و مالیات آنها را وصول کند بنده بطور رای بدهم وجهی که استقرض میشود در عموم اهالی تحویل خواهد شد در بروجرد و لرستان مصرف بشود ولی در کرمانشاهان و کردستان با سایر جاهای دیگری که اسم برده نشده مصرف نشود لازم است که در این باب هیئت وزراء عظام توضیحی بدهند که بنده بفرمادم بشوم.

**فهرم الملک** - این تقسیمی که در اینجا شده است با حضور هیئت وزراء سابق بوده است که آقای وزیر امور خارجه هم در آنوقت تشریف داشتند و وزراء حالیه هم همین فرمایش را فرمودند که سایر نقاط هم قشون لازم دارد از برای آنها چه باید کرد ولی همان نتیجه که از مذاکره کمیسیون پامیشت وزرا سابق حاصل شده بود بایشان عرض کردیم که این

صورتیکه اینجا نوشته شده است منتهی این نیست که حکماً همین نقاط قشون لازم دارد البته قشون برای تمام نقاط لازم است فرستاده شود عرض کردم که ۳۷ هزار یا ۴۷ هزار نفر قشونیکه در بودجه هده السنه منظور شده است در تمام نقاط باید باشند ولیکن این نقاط بواسطه اهمیت فوق العاده که آقایان میدانند که هر روز بواسطه اینکه یکمده الوار و اشرا در آنها جمع شده اند یک اقتضای فوق العاده در آن ها میشد این بود که ابتداء اختصاص دادیم به این نقاط والا اگر میخواستیم این وجه را بطوری قسمت کنیم که هم باین نقاط برسد و هم بقسط دیگر تصور می کنم که بهتر نقطه یکمده غیر کافی فرستاده می شود که بالاخره هم از کسبه دولت رفته بود و قایده هم نداشت و از اول یکمده قشون باین نقاطیکه یک قدری طرف توجه شده فرستاده شود که آن نقاط را امن کنند و مالیات آنها را وصول نمایند و آن مالیات از برای تأمین سایر نقاط صرف شده فرضاً فارس را ملاحظه بفرمایید که شصده هزار تومان از مالیات سه ماضیه آن باقی مانده است و تا وقتی که استمداد کافی فرستاده نشده بود آن اقتضای بود که پیشینده حالا این استمدادی که فرستاده شده است آنجا را امن کرده و خیلی معظورات را از بین برداشته است و باید منتظر بود که فارس بواسطه این قشون روز بروز کارش اصلاح و امنیست زیادت بشود و مالیات باقی فارس را وصول بکنند تا اینکه آن مالیات صرف تأمین نقاط دیگر بشود و همین نقطه نظریکه عرض کردم بود که کمیسیون لازم دانست که این نقاط را مخصوصاً روی کاغذ بیاورد ولی کتباً نقاشیکه استمداد نظامی میخواهد کسبه عده قشون آن یک ترتیبی است که وزارت جنگ تهیه کرده اند و در بودجه خودشان معین نموده اند مقصود اینست که کمیسیون نظرشان این نبوده است که تخصیص به بعضی از نقاط داده شود و ذکر این نقاط باین جهتی بوده است که عرض کردم

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این قمره در نظر دارم یکی همانست که آقای معاضد الملک فرمودند و این را خیلی اهمیت می دهم برای اینکه خود آقای وزیر فرمودند و شرح دادند که از بی استمدادی نتوانستند مالیات بعضی ولایات را وصول بکنند و یک مبلغ کثیری می دانیم در خراسان و کرمانشاهان و کردستان ولایات دیگر مانده است و اگر بنا باشد این آردوئی را که معین میکنند باین نقاط معینه که در پیشنهاد است بفرستند باز ولایات دیگر بحال خودش باقی است و نمیتوانند بطور کامل مالیات آنها را وصول بکنند و دیگر اینکه اینجا اعتبار میخواهند برای (۱۵) هزار قشون بدهی می فرمایند که این قشون را که باین مخارج گسیل داشتیم مالیات را وصول می کنیم و آن مالیات وصول شده را جزء هایدی خودمان در خزانه دولت وارد خواهد شد بنده عرض می کنم که این وجهی را که فعلاً مانده داریم و این نوع استقرض او را تصویب می کنیم باید خیلی دقت در مصارف او بشود که بی مصرف خرج نشود و بمصارف لازمه و مفیده برسد جزئی از آنرا که دیگر حلاجی نداریم خوبست برای این مصارف معین بکنیم آنوقت از همان ولایات که مالیاتش لاوصول مانده است وصول بکنیم و باین مصارف برسانیم اینک می فرمایند آنچه

وصول شود از بودجه بر میگردد دیگر لازم نیست که از بودجه برگردانیم و این زحمت را بخودمان بدهیم بودجه نظامی ما تقریباً هشت کرور است و بهمان ترتیب بودجه معنی مان عمل شود و ممکن است از همان محل ها وصول بکنند و بمصارف نظام ما برسانند می فرمایند از ولایات چون کاملاً مالیات وصول نشده است حالا قشون می خواهیم ممکن است بهمان اندازه که لازم است برای مخارج اعزام و حرکت آنها فعلاً تصویب بکنیم و باقی را بهمان ترتیب که عرض کردم وصول کنند و باین محل ممکن است بهمان اندازه که لازم است برای مخارج اعزام و حرکت آنها فعلاً تصویب بکنیم و باقی را بهمان ترتیب که عرض کردم وصول کنند و باین محل صرف نمایند عرض دیگر اینکه مخارج این (۱۵) هزار قشون را که باید تصویب کرد و سه کرور و زورایشتهاد کرده اند در پیشنهاد خودشان ننوشتند که از برای یکسال است یا شش ماه است یا هشت ماه است چقدر است در این لایحه هیچ اشماری نشده است خوب است معین شود دیگر اینکه (۱۵) هزار را کم میدانم بجهت اینکه بسایر ولایات هم باید یک عده بفرستیم مثل کرمانشاهان مثل کردستان و سایر جاها برای این که آنها هم خالی از اهمیت نیست بلکه اهمیتش از خراسان و بعضی جاهای دیگر زیاده تر است برای آنچه هم باید است اردوئی تشکیل بشود هم اهمیتش با جاها بدهند و هم این مالیات آنها وصول بشود.

**وزیر امور خارجه** - بنده در کمیسیونهای سابق که این مصارف شده بود در کمیسیونهای سابق بود اصل مسئله و مقصود وزرا آنوقت این بود که سی هزار نفر ساختمان موجوده داشته باشد در همه ولایات سی هزار و کسری و تصویب کردند بعضی از نقاط مملکت است که باقیمانده بیشتر محل اصلاح و امنیست از برای آنها فکر عاجلی کرد آنها را روی ۵۰۰ آردوئی سه آردوئی نمایندگان محترم شاید در آن موقع و حالا هم شاید تصور همراه باشند مشقه فارس - استر ایالت - لرستان - بروجرد و عربستان آنها بالنسبه البته با همان و شاهرود بسطام اگر چه برای شاهرود هم بواسطه استر آباد منظور کرده اند اینها تفاوتی آنوقت منظور بود که حالا هم البته آن تفاوت منظور است و مقصودشان این بوده که از این وجه استقرض فقط یک مبلغ معینی برای یک قشون معین که برای آن نقاط تصویب می کنند که بالفعل مالیات آنها را نمی توان استقرض داد ندارد بکنند چرا البته اثبات نمی توانی ماهدانی کند وقتی که ۱۵ هزار نفر را معین کردند برای این نقاط بطوری که در بودجه هم منظور است برای سایر نقاط هم آن ساخلوها را نوشته اند چنانچه برای آذربایجان ۳ هزار نفر نوشته اند و حال آنکه برای ساخلوی آنها شش هزار نفر در بودجه منظور شده است که ۳ هزار نفر از بابت مالیات محل ۳ هزار نفر از این بابت حقوق داده شود و بعد از این که این کابینه جدید تشکیل شد و در کمیسیون مجلس بساز این مذاکره بعمل آمد و مقصوداً آنجا قید شد که احتمال دارد انشاهان بلکه یقین است که این استمدادی که هست اینرا برای یک سال معین کرده اند این که فرمودند

مدتش معین نیست این برای یک سال بر آرد شده است که این پانزده هزار نفر نفی صد تومان از پیاده و سوار و صاحب منصب بطوری که از کمیسیون نظام که تشکیل کرده بودند و صورت داده بودند برای یک ساله این ۱۵ هزار نفر معین شده است ولیکن منظور این بود که بعد هم در کمیسیون در این کابینه وزراء تأکید شد و شاید بلاکه خیلی ممکن است که یک نقطه دو ماهه یا سه ماهه استمداد لازم داشته باشد که بگذرانند و آنجا ترتیب بدهند و بعد کلاً ام مضافاً آن استمداد را بجهت دیگر اگر لازم نداشته باشند نقل بدهند پس مسلماً این را نباید تصور کرد برای بروجرد مثلا اگر حالا یک استمدادی می فرستند برای این است که تمام دوازده ماه را آنجا توقف کنند و اگر برای کرمانشاهان لازم شد بفرستند یا برای جای دیگر لازم شد بفرستند و نقل و تحول بکنند عیالات این یک مقدار اعتباری است که هست برای این یک مقدار قشون برای نقاط مهمه که صرف نظر از مالیات آنها نشود اینرا خرج بکنند و برای سال بعد بخرج بیاورند و از برای دولت اسباب کار و امنیاتی باشد.

**ناصر الاسلام** - عرض می کنم هیئت دولت همه وقت ذمदार نظام مملکت است نمی توانیم بگوئیم از برای تنگی یک نقطه یک مصارفی را که لازم دانست باید تخصیص بدهد که برای فلان محل اینقدر قشون می خواهیم باید هر عده قشونیکه لازم دارد تهیه کند بنده باین اسمی معینه از ایالات و ولایات برده شده است و اینها را قشون سیرا که بانها فقط تخصیص داده اند معالقم و عرض می کنم هیئت دولت یکمده قشون برای نامیاتی ولایتیکه لازم دارد می گوئیم که ما این استمداد را لازم میدانیم ولی عرض می کنم که تخصیص نباید داد کلیه مالک دنیا و ایران بالخصوص تابع حوادثی است که نمیشود اغلب نقاطی که اهمیت میدهد و میگویند که اهمیت فوق العاده دارد و باید از این وجه استقرض داده شود بواسطه حوادث و اتفاقات ممکن است که بهیچوجه محتاج نباشد تنظیم امور مملکتی را که در آن مجال داده میشود و هیچ لزومی در اعزام این قشون نداشته باشد در بعضی نقاطی که حالیه کمال امنیست دارد و هیئت دولت کمال اطمینان بمنیت آنجا دارد و هیچ ساخلو هم لازم ندارد ممکن است که بواسطه حوادث غیر مترقبه بعضی احتمالات پیش بیاید پس بنده عرض می کنم که این تخصیص معنی ندارد و کلیه هیئت دولت ممکن است آنقدر اعتبار را تخصیص بکنند و در هر موقع و از برای هر نقطه ای که لازم است با استمداد معین قشونی بفرستند و تصویب خواهد شد کلیه با این عده قشون تعیین آن مبلغ بنده مخالف نیستم اما تخصیص دادن آن به بنادر فارس اردبیل - فراه داغ استر آباد و غیره بآن بنده مخالفم.

**رئیس الوزراء** - عرض کنم که در باب این (۱۵) هزار نفر قشونی که کابینه سابق پیشنهاد کرده بودند این پانزده هزار قشون قشون سیار بود که برونه بآن نقاط معینه که معین کرده بودند

مانعاً همیشه در همین تهران هشت هزار قشون ساخلوئی لازم داریم باید این قشون اینجا باشد اما در قزوین باید ساخلوی داشته باشیم در زنجان در هرات در مازندران باید بفرستیم و قشون ساخلو داشته باشیم این نقاط دخلی این پانزده هزار قشون ندارد باید بطوریکه وزیر جنگ سابق پیشنهاد کرده بود هیئت چهل هزار و یک هزار موافق بر آرد و یک ما کرده بودیم این عده قشون مسلح در مملکت در همه ولایات ایران داشته باشیم این پانزده هزار را در حقیقت سبار معین کرده اند که در اطاعت سرداران معین باشند بهر جا که بگویند برونه لرستان هم بگویند برونه بروجرد برونه و اگر لازم شد بکرمانشاهان هم برونه بکرده ستان هم لازم شد برونه این هیچ دخلی بآن قشونیکه لازم داریم زیر اسلحه باشد ندارد ما چهل و دو هزار قشون لازم داریم عرض می کنم که موافق قشون - ایقما هشتاد و چهار هزار قشون لازم داریم که در روی کاغذ قلم است از این هشتاد و چهار هزارتا باید همیشه چهل هزارتای آنهاست اسلحه ما بزرگدای معین داشته باشیم در نقاط معینه بفرستیم همیشه برونه آنجا حاضر بکنند و سول مالیات بکنند بر آرد و در هر جا هم که در قشون قریب شش کرور تومان محل داریم از بابت قشون سابقه که مال این هشتاد و چهار هزار قشون ماست که معادل شش کرور و کسری است ولی ما برای آن چهل هزار قشون که معین کرده ایم که تحت اسلحه باشند و از قراریکه پیش بآنها میدادند نفر هفت هزار و دهمشاهی در ماه جیره میدادند و سه تومان و نیم در سال مواجب حالا ما باین سربازوین ساخلو سه تومان در ماه میدهیم و شبانه روزی شانزده سیران سوازی لباس و چادر و کلاه و غیره که صورت آنها بجزه چه از گذشته چندر آینه همه را اینجا حاضر داریم و بوزیر مالیه هم نمایانند اینها تفاوت دارد چهل یک هزار قشون لازم داریم و باید هم در تحت اسلحه باشند و باید هم بپوشند برای این چهل و دو هزار قشون که هم بتوانند مالیات را وصول کنند هم بتوانند ولایات دیگر که بیچاره صفائی که غارت میشوند زن و بچه آنها را میزنند میسرنه اسیر میکنند معفوظ بداند این عشایر و ایلات را شما ملاحظه بکنید والله نافشون نباشد نمیشود اینها را تسکین داد این حرفهایی که اینجا می نشینیم میگوئیم برای دو کرور سه تومان یقین بماند باید توجهی کرد بآن بیچارهانی که در این اطراف سرحدات هستند بطوری که از این عشایر از این ایلات از این قشاط الطریق بآنها فشار می آید تصور بکنید از دوازده ماه باینطرف چندر باین مملکت ضرر وارد آمده است والله صد کرور ضرر باین مملکت وارد آمده است بگذارد باین مملکتان یک آسایش پیدا بکنند یک انتظامی پیدا بکنند این مخالفتهایی که میشود یک کرور تومان یا صد هزار تومان قابل شان این دولت نیست که اینطور مردم را در زیر فشار بگذارد این اقتضای این وجهی و زحمتی که در این مردم وارد میشود اینها را باید ملاحظه کرد و الا میخواهد بدهد می خواهد بدهد ما هم یکی از شما هستیم هر طور شاگرد بگوئید ما هم اطاعت حرف شما را می کنیم (اغلب تصدیق کردند)

**وحید الملک** - بنده در ضمن عرض خود در کلیات عرض کردم که این محل خرج جزو مخارج عمومی است و از مخارج فوق العاده محسوب نمیشود